

### گفتار همرزم داریوش فروهر در روز

### بیست و نهم خرداد

باید از رهنمودها و آموزنهای گذشته پند گرفت. برجسته‌ترین نقش را در خلع یداز استعمار کارگران صنعت نفت داشتند. آنها که روزهای مرداد ۱۳۳۲ را بیاد دارند حق دارند که بترسند و از آینده بیمناک باشند. تنها وحدتی درست است که پیروی از جدول ارزشهای انقلاب اسلامی ملت ایران را داشته باشد. بقیه در صفحه سوم

## در ماندگی حکومت

### مشقت به حد نهایت رسید

بسیار از خود نشان داده هرگز کسی، تصور این همه ناتوانی و درماندگی را در انجام ساده‌ترین کارها از حکومت نداشت و کار به دستان دولتی که باید مظهر آگاهی و ابتکار و قدرت اندیشه باشند، در بسیاری موارد نمونه‌های هستند از بی جبری و فلاکت فکری. بقیه در صفحه چهارم

سراپای زندگی ما در بحران و دشواری و «مسئله» فرورفته است و بر شمار «مسئله»ها هر روز افزوده میشود. فشار و تلخی آنها زیاده‌تر میگردد. به گونه‌ای که زندگی به راستی رنجبار شده است. مسئول اصلی همه تلخی‌هایی که زندگی مردم ایران را فرا گرفته حکومت میباشد که ناتوانی‌های

مبارزه سیاسی به معنای برخورد اندیشه‌های سیاسی، به معنای کوشش مسابقه آمیز در فراهم آوردن قابلیت‌های سیاسی، و به معنای ارائه داشتن الگوهای اجرا و عمل است. مبارزه سیاسی با «خام کردن» و «به هچل انداختن» و «مچ گرفتن» و «توطئه چیدن» تفاوت دارد، مبارزه سیاسی به معنای درهم شکستن اعتماد و اطمینان عیبه در صفحه ششم

## مبارزه سیاسی و الگوهای پلیسی

گوش به در چسبانیدن و ناشناخته در جمع کسان پانهادن، به حقیقت نقض آشکار آزادی‌های فردی و اجتماعی است. آیا بر درو دیوار همه حزبها ضبط صوت نهاده‌اند. آیا بر همه شخصیت‌ها و سازمانهای سیاسی خبرچین و جاسوس فرستاده‌اند.

## میثاق وحدت

### احترام به باورهای مردم

در پی یک درگیری جنجالی، و در پی باراندن موج‌هایی از اتهام‌های سنگین، و در پی برافروخته شدن آتش ستیزی سهمگین، و در پی به تلاطم افتادن فضای سیاسی کشور، ناگهان اعلام شد که عیار کدورت فرونشسته و برخوردها پایان پذیرفته و «میثاق وحدت» به میان آمده است.

ولی طرفهای درگیر در مبارزه جنجالی و ابلاغ کنندگان «میثاق وحدت» هرگز آشکار نکردند که به وحدت رسیدگان چه کسانی بوده‌اند و شرایط و حدود میثاق چه میباشد.

اگر بالاترین مقام اداری و سیاسی کشور «میثاق» می‌نهد و پدید آمدن «وحدت» را به ملت مژده میدهد، هم میباید بی‌درنگ چگونگی را به آگاهی مردم برسانند.

سخن از «میثاق وحدت» به میان آوردن، حکایت از آن دارد که دو گروه سیاسی درگیر در نبرد، تفاوتی در روشها و یا هدفها نداشته‌اند، که بر اثر گفتگوی نمایندگان دوطرف یا پادرمیانی کسانی دیگر، تفاوت برداشته از میان رفته و وحدت نظر پدید آمده و بر اساس آن «میثاق» بسته شده است.

امضاء کردن «میثاق وحدت» به معنای تغییر یا تصحیح روشها و یا هدفهای سیاسی یک و یا دوطرف درگیر است و روشها و هدفهای دوطرف درگیر با یکدیگر و چگونگی تغییر یا تصحیح آن، موضوعی میباشد که به طور قطع به ملت ایران بستگی دارد.

مبارزه گروههای سیاسی حاکم بر کشور باهم نمی‌تواند از جانب مردم بی‌تفاوتی تلقی شود، چرا که در این قهر و آشتی‌ها سرنوشت خود و فرزندان خود را جستجو میکنند و نمی‌توانند از آگاهی بر سرنوشت خویش بازمانند و تماشاچی صحنه باشند مردم با اصرار تمام میخواهند بدانند و می‌باید بدانند علت قهر دو گروه سیاسی حاکم کشور چه بوده، و علت آشتی آنها کدام است، این قهر و آشتی بر سرنوشت کشور اثر می‌گذارد و نمیشود از آن به سادگی گذشت.

آنان که از «میثاق وحدت» سخن رانده‌اند، باید به روشنی و با صراحت اعلام دارند که اختلافها چگونه، با چه کسانی و با چه گروه‌هایی و بر سر چه مسئله‌هایی بوده سپس این اختلافها به چه صورت رفع گردیده است.

ماجرای مبارزه سیاسی ماجرای قهر و آشتی شخصی نیست، و ماجرای فراز و نشیب روان شناختی شخصی نمی‌باشد، بلکه ماجرای تفاوت اندیشه‌ها و برداشتها و شیوه‌های عمل است، و جریان قهر و آشتی سیاستگران و کاربدستان دولتی، اگر جنبه شخصی و روان شناختی دارد، نباید به گونه‌ای یک دشواری بزرگ کشوری طرح گردد و اگر جنبه شخصی و روان شناختی ندارد، باید همه ماجرا از سرتابن، و از ریشه تا همه شاخ و برگها به آشکارا بیان شود.

سخن از «توطئه خطرناک» به میان آوردن وسند و دلیل بر اثبات آن ارائه دادن و به ناگهان بازپس بقیه در صفحه هفتم

## معنویت و اقتصاد رنج مردم به حد اشباع رسیده است

در برخورد با دشواری‌های اقتصادی کشور، دست اندر کاران به این نتیجه رسیده‌اند که باید به معنویت روی آورد و در رفع دشواری‌ها از معنویت یاری جست.

بقیه در صفحه پنجم

## گردهم آئی مردمی در یاد یک پیروزی ملی

بعد از ظهر پنجشنبه بیست و نهم خرداد خیابان سپند که ساختمان مرکزی حزب ملت ایران در آن میباشد حال و هوای دیگری داشت و به آشکارا میشد دریافت که در این خیابان خبری است.

دسته‌های کوچک و بزرگ مردم پیاده و سوار به این خیابان سرازیر بودند، وابستگان و هواداران حزب ملت ایران برای شرکت در آئین ویژه «روز کارگران ایران» می‌آمدند و بسیاری کسان هم بودند که برای نخستین بار با به قرارگاه حزب ملت ایران گذاشتند و نشانی آنرا در خیابانهای نزدیک از مغازداران و گذرندگان می‌پرسیدند.

هر گردهم آئی حری، دوستان تارهای را در خود می‌بیند که با

## بنام اسلام تیشه به ریشه اسلام نزنید زمان، زمان سازندگی است نه تقسیم غنائم!!

سخنران، نخست از «سرور آزادگان جهان امام سوم شیعیان» بگونه انگیزه اجتماعی و معنوی اکثر «بهضت‌های ضد ستم» در ایران یاد کرد. وی ضمن تجلیل از حرکت‌های مردم در دوران کنونی تاریخ، در پیوند با قیام حضرت اما حسین (ع) از جنبش پانزدهم خردادماه ۱۳۴۲ (برابر با دوازدهم محرم) و گردهم آئی‌های مذهبی در دوران خفقان و استبداد که همه آنها بنام عزاداری حسین انجام میگردد، سخن گفت و سر انجام به راهپیمایی‌های میلیونی مردم ایران در روزهای تاسوعا و

همرزم داریوش فروهر دبیر حزب ملت ایران بود که در نخستین شب با مردم مسلمان غرب تهران، درباره «پانزدهم خرداد، عطف انقلابی در پیکارهای رهائی بخش ملت ایران» سخن گفت. شامگاه بیست و پنجم خرداد بمناسبت تولد حضرت حسین بن علی (ع) در آن مجلس پرشکوه همرزم دکتر ناصر تکمیل‌همایون استاد دانشگاه، سخنان پر شوری ایراد کرد که بنقل کوتاه شده آن مبادرت میشود.

بابتکار حضرت آیت‌الله حاج شیخ شمس‌الدین نجفی و دعوت معظمله یک سلسله سخنرانی در رابطه با روزهای مقدس مبعث پیامبر گرامی (ص) و میلاد سرور آزادگان حضرت حسین بن علی (ع) در مسجد رسول اکرم (ص) برگزار گردید. آغازگر این سخنرانیها که در آن استادان دانشگاه و چندتن از نمایندگان مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران و شخصیت‌های مذهبی و سیاسی شرکت داشتند

## گزارشی از آئین ویژه «روز کارگران ایران»



گوشه‌ای از اجتماع باشکوه آئین بزرگداشت «روز خلع ید»

خانواده خود آمده بودند. بچه‌ها که یکدیگر را از پیش می‌شناختند لابه‌لای جمعیت می‌دویدند و سر به سرهم می‌گذاشتند و نشاطی خاص به گردهم آئی می‌دادند. بقیه در صفحه دوم

جمعیت پر شد و دامنه جمعیت به خیابان کشید، با آنکه آئین جشن از ساعت هفت و نیم آغاز میشد در ساعت شش و نیم بعد از ظهر حیاط و دالان حزب دیگر جای خالی نداشت. بسیاری از وابستگان حزب با

برخورد گرم و مهربان وابستگان حزب رویرو می‌شدند و پس از چند دقیقه گفتگو چنان باهم صمیمانه حرف می‌زدند که گویی سالها با یکدیگر دوست بوده‌اند بزودی صحن حیاط و دالان و اطرافهای طبقه همکف حزب از

## مرکزهای قدرت خود کامه را بر چینید

## گزارش از آئین ویژه



همرزم عباس میر عبدالباقی، رئیس شورای کارگران حزب ملت ایران پیرامون روز «کارگران ایران» سخن میگوید.

دانشجویان و دانش آموزان، روزنامه آرمان ملت، ارگان حزبشان را می فروختند و قیمت روزنامه را هم خودشان معین کرده بودند «همت عالی» ولی هر چه می داد می گفتند «همین»؟ یک دوشیزه دانشجوی حزبی یا یکی از دوستانی که تازه به گردهم آئی پیوسته بود چانه می زد که پنج تومان بابت بهای یک شماره روزنامه نمی گیرم، سرانجام به ده تومان روزنامه فروخته شد.

وابستگان حزب که ساعتی پیش از شروع آئین رسیده بودند گروه گروه دورهم جمع شده حال یکدیگر را می پرسیدند و درددل میکردند، اگر پای صحبتشان می ایستادی دیگر دل نمی کشیدی. گفتگو از همه چیز بود ولی بیشتر از سیاست بود و از دشواریهای کنونی کشور، بسیاری هم که سالی بر آنها گذشته بود، خاطره های زمان مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت را یاد می کردند، یکی از همرزمان دیرینه حزب، خاطره خود را از آن روز آبادان و اینکه چطور پرچم ایران را بردند بالای «جنرال افسیس» و شوروی که کارگران نشان می داد تعریف میکرد این همرزمان از روحیه و شوق کارگران آبادانی خاطره ها داشت.

صحن حیاط به راستی دیدنی و دلپذیر بود. استاد، کارگر، پزشک، مهندس، حقوقدان، شاعر، نویسنده، و پیر و جوان همه در کنار هم، از همرزمان دیرینه تا یاران تازه همه با هم گفتگو می کردند که گاه به شوخی و خنده هم می کشید.

شیرینی و شربت تدارک شده بود ولی در همان نیمساعت نخست همه آنها خورده شد و به خیلی ها چیزی نرسید شاید گردانندگان جشن فکر نمیکردند اینهمه جمعیت بیاید.

حیاط حزب را تا آنجا که ممکن بود صندلی گذاشته بودند و به دیوارها پرچم ایران و به درختها چند رشته چراغ رنگی آویخته بودند و دو عکس بزرگ مصدق و خمینی در دو طرف جایگاه سخنرانی قرار داشت. کارگران وابسته و هوادار حزب از همه سرحالتر مینمودند چرا که روز، روز آنها و جشن جشن آنها بود.

همرزمان دیرینه اسماعیل فاضل پور دبیر شورای کارگری حزب به حاضران خوش آمد گفت. فاضل پور همیشه مهربان و گرم بوده است ولی آن روز بهنگام اعلام برنامه، در صدایش و در نگاهش مهربانی بیش از همیشه دیده میشد خاطره مبارزه های طولانی و سالها سنگر به سنگر جنگیدن برای رسیدن به چنین روزی گرامی به سیمای او فرور فراوان پاشیده بود. سپس همرزمان عباس میر عبدالباقی مبارز دیرپا، که جای یک گلوله را از «قیام ملی سیام تیر» در پهلو دارد و بارها به زندان افتاده و شکنجه دیده و همواره با تصمیم خلل ناپذیر در پیشاپیش صف پیکارگران بوده است در جایگاه سخنرانی قرار گرفت و با خطاب «خانها و آقایان همرزمان گرامی» گفت: «همراه بهترین سپاس از شرکت شما در جشن امروز، فرا رسیدن بیست و نهم خرداد، روز خلع ید از استعمار و «روز کارگران ایران» را صمیمانه شادباش میگویم.»

بامداد بیست و نهم خردادماه سال ۱۳۳۰ به دنبال تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران، به فرمان مصدق، دست استعمار انگلیس از دخالت در سرنویس مین ما کوتاه شد و تومار بردگی و سلطه در هم پیچید و درفش پرافتخار ایران بر فراز پالایشگاه نفت به اهتزاز درآمد.

گرچه در نهضت ملی شدن صنعت نفت، همه مردم ایران زن و مرد، پیر و جوان، با سواد و بی سواد شرکت داشتند ولی آنچه نمیتوان از یاد برد نقش چشمگیر و تحسین آفرین کارگران بویژه کارگران صنعت نفت جنوب است. آنها که سالهای سیاه سلطه شوم استعمار انگلیس را به خاطر می آورند، هرگز چهره افسرده و پریده رنگ کارگرانی را که بر دریایی از طلای سیاه، روز و شب را با فقر و گرسنگی بسر می کردند و در هوای گرم و تحمل ناپذیر جنوب سرپناهی جز حصیر خرما و حلبی های کنسرو نداشتند، از یاد نمیبرد.

مصدق، رهبر نهضت ملی فریاد فروخورده آن زنان و مردان ستمدیده را با فرمان خلع ید، پاسخ داد و به کارگرانی که زیر فشار زندگی مادی و در حقرات زندگی معنوی خود ریاخته و از یادبرده بود، زیست سرفراز و گردن افراخته ارزانی کرد. همرزمان عباس میر عبدالباقی در دنباله سخنان خود گفت «بیست

و نهم خرداد روز خلع ید روز تجلی نیروی عظیم کارگران ایران است روزی است که زنان و مردان کارگر در راه آزادی و استقلال ایران دست از جان شستند و سینه سپر بلا کردن و سرانجام سربلند و رها از سلطه شوم دشمن سرنویس سازمین گردیدند آن دست توانائی که پرچم سه رنگ ایران را بر فراز بلندترین دکل نفت به اهتزاز در آورد، بگمان از نیروی اراده همه کارگران مدد گرفت و همچنین از نیروی اراده ملی که بپا خاسته بود تازنجیر زبردگی را بگسلد و زندگی را آزاد و مستقل ادامه دهد.

حزب ملت ایران در نخستین سالگرد این پیروزی درخشان در ۲۹ خرداد ۱۳۳۱ با انتشار اعلامیه شماره سه آن را «روز کارگران ایران» نام نهاد و به پاس فداکاری های این نیروی سازنده جشن پرشکوهی برپا داشت و از پیشگاه مصدق نیز خواست تاروز خلع ید را به نام کارگران رقم بزند و مصدق که همواره کارگران را فرزندان عزیز خود می دانست بایادآوری نقش برجسته این گروه اجتماعی بیست و نهم خرداد را همچون جشنی ملی به آنها تبریک گفت»

سپس همرزمان عباس میر عبدالباقی به تشریح نقش ارزنده کارگران بخصوص کارگران صنعت نفت در انقلاب اسلامی ملت ایران پرداخت و در پایان سخنان خود گفت «گرچه در پیش روی کارگران ایران دشواریهای بسیار قرار گرفته ولی بر همه این دشواریها با «وحدت» می توان غلبه کرد.

سخت هاست شود در گه همدستی ما

همه همدست اگر دست به کاری بزینم در این هنگام همرزمان محمدعلی خدابخش وابسته شورای کارگری که سالها مبارزه رایش سر گذارده است با آهنگی رساطعه شعری از دکتر مهدی حمیدی شیرازی را زیر عنوان «بیرق ایران برام شرکت نفت» خواند که بخشی از آن در زیر آورده میشود.

لب پر از هلهله جان پرفریاد چشمها بر سر بامی نگران

که بر آن بیرق ایران می کوفت دسیت خوب و خشن کارگران

خشم صدساله چو دریای گران کف نشسته به لب ایرانی

ناو، ای ناو سپه بخت بدان خشمگین دریا شب طولانی

دمبدم غرش یک دریا خلق گشته با مشت گره کرده بلند

شهر چون شیر بخود می پیچید حذر از شیر در افتاده به بند

راست گفتی که همه آبادان نفت و باروت بهم ریخته است

جنگ اینجاست که گر نعره زند صلح از عالم بگریخته است

خون بجوش آمده اما آرام کارگرا همه بر می گشتند

چون به فرمان مصدق شب و روز دور از فتنه و شر می گشتند

رهبر امروز به ایشان گفته است که بیایند و زجا در نروند

ز آتش حیلای بیدادگران هر چه جوشد، دلشان سر نروند

سپس همرزمان داریوش فروهر دبیر حزب ملت ایران در میان غریب شادی شرکت کنندگان در جشن در جایگاه سخنرانی قرار گرفت و گفتار خود را زیر عنوان «نقش کارگران در خلع ید از استعمار انگلیس» که مدت یکساعت و نیم بطول کشید و بارها با کف زدن و درود گوئی حاضران قطع شد، آغاز کرد. متن سخنان دبیر حزب جداگانه چاپ شده است در فاصله سخنرانیها همرزمان محسن عبدلی وابسته شورای کارگری که چهره مهربان او پیوسته در میان پیکارگران حزب ملت ایران نمایان بوده است، شعارهای ویژه «روز کارگران ایران» را در ۲۹ خرداد ۱۳۵۹ با صدایی استوار از جایگاه سخنرانی به گوش شرکت کنندگان در آئین رساند. این شعارها عبارت بودند از:

«فرخنده باد ۲۹ خرداد روز خلع ید «روز کارگران ایران.»

بپاس فداکاری کارگران ایران در خلع ید از استعمار بیگانه، ۲۹ خرداد «روز کارگران ایران» نامیده شد.

در ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ «خلع ید از استعمار»، نیروی شگرف کارگران ایران را به جهان ملتها شناساند.

تأمین کار، برای کارگران بیکار وظیفه اصلی دولت انقلاب است.

تشکل کارگران در اتحادیهها و سندیکاهای صنفی ضرورت دوران سازندگی انقلاب است.

کارگران ایران باید برای حفظ حقوق خود به ساختن و گسترش سندیکاهای کارگری بپردازند. نزدیک به ساعت ده و نیم بعد از ظهر آئین ویژه روز ۲۹ خرداد، روز خلع ید از استعمار «روز کارگران ایران» در حالیکه همه شرکت کنندگان در جشن شادمانه سرود «ای ایران» را میخواندند و بانگ رعد آسای آنها کوی و برزن را بلرزه آورده بود پایان یافت.

جمعیت در حالیکه دبیر و کاربدستان و وابستگان شورای کارگری حزب برای تشکر در آستانه در ورودی ایستاده بودند بتدریج قرارگاه حزب را ترک نمودند.

## از نوشتارهای رسیده

نوشته اند که بزودی ۳۰۰۰ تخت بیمارستان برای معتادان ایجاد خواهد شد! و آنوقت فقط یک بیمار بدحال خود را بطور مثال یک کودک اسهالی را از ساعت ۱۰ شب بخواهید در یک بیمارستان بستری کنید آنوقت خواهید دید نه در بیمارستانهای دولتی و نه در بیمارستانهای خصوصی نمی توان برای کودک مشرف به موت خود حتی یک تخت نیممتری پیدا کنید و این قول من تا آخر شهریور ماه باقی است و اگر خلاف آن مشهود شد حاضرم همه جرائم متعلقه را بپردازم.

دوستی می گفت خدا پدر دکتر شیخ الاسلام زاده را بیاورد چون او وقتی دروغ می گفت ادعا میکرد که در آینده ۳۰۰۰ تخت بیمارستانی در فلان شهر ایجاد خواهد شد ولی این آقای وزیر مسلمان انقلابی می گوید ۳۰۰۰ تخت ایجاد باید گردد؟! نظری به بهداشت مملکت در شانزده ماه گذشته

مشخص میکند که نه تنها در جهت درمان اقدامی نشده است بلکه از جهت پیشگیری و بهداشت نیز سیر قهقرائی طی کرده و میکنیم. هیچ میدانید نزدیک دو ماه است قطره خوراکی واکسن فلج در شهر تهران و کشور ایران وجود ندارد و بطوریکه مسئولان اداره بهداشت میگویند تا سه چهار ماه دیگر هم وجود ندارد و به ایران نخواهد آمد.

هیچ میدانید که اکثر گاوهای تهران و اطراف تهران آلوده به بیماری سل و تبمالت هستند و در حال حاضر در کلیه مناطق و اکثر خانه های جنوب شهر تهران در منازل گاو گوسفند نگهداری میشود. با ذکر این دو نکته از نظر بهداشت میشود تصور کرد که در آینده نزدیک و نه چندان دور چقدر بیمار مبتلا به سل، تبمالت و فلج اطفال به معلولین و بیماران این کشور افزوده خواهد شد و مشکلات موجود را صدچندان خواهد کرد.

امیدوارم این تذکرات که از عمق وجود روح آزاده یکی از پزشکان مؤمن و متعهد به انقلاب برخاسته است بگوش مسئولین امور برسد و آقای وزیر هم اکنون به همراه دو نفر از معاونینشان به مجلس راه یافته اند دست از وزارت بردارند و وزارت را به شخصی صالح و وارد و دلسوزی واگذار کنند که بدون هیچگونه تظاهر و ریائی لااقل این وزارتخانه عظیم را اداره و مشکلات آنرا حل کنند.

## شیر تازه و سالم گاو بجای شیر خشک!

چندی پیش مقاله ای تحت عنوان «نامه ای سرگشاده به وزیر بهداشتی و بهزیستی آینده» در روزنامه بامداد چاپ شد که جوابیه ای از طرف سخنگوی وزارت بهداشتی در سه شماره روزنامه به آن داده شد.

من کاری به اینکه نویسنده نامه و پاسخ دهندگان به آن چه رابطهای با هم دارند و اصولاً آیا اینها یک جنگ «زرگر»ی است یا نه، ندارم. ولی میخواهم به یک نکته که در جوابیه شماره ۲ آمده بود اشاره کنم.

در قسمتی از جوابیه آمده است: «ایشان (یعنی نویسنده نامه) میخواستند در مدت هشت ماه گذشته لااقل چند مقاله هم

در مورد مصرف صحیح دارو و شیر خشک برای مردم بنویسند، تا اگر مادری شیر گاو در لبنیات فروشی نزدیک منزلش پیدا میشود، در بدر و گاه این شهر و آن شهر بدنبال فلان مارک تجارتی شیر خشک که غالباً کوچکترین تفاوتی با مارکهای دیگر ندارد، نگرود و از همان شیر گاو تازه و سالم استفاده کند، یا اینکه میخواستند در یک نامه سرگشاده به ملت ایران بنویسند که این مارکهای دارویی نیست که شما را معالجه میکند، ترکیب و جنس دارو است که مؤثر است و اگر فلان مارک دارو نبود مشابهش را تهیه کنید. آیا میدانید برای تهیه بیش از بیست مارک شیر خشک، که غالباً با وجود شیر پاستوریزه و شیر گاو و گوسفند مورد احتیاج بیشتر خانواده ها نیست و شیر مادر از همه آنها گرانتر است، چه میزان بودجه، نیرو، وابستگی اقتصادی و سیاسی به کشورهای امپریالیستی میدهیم؟»

آقای سخنگوی عزیز نمیدانم شما تا چه اندازه به طب کودکان (اگر این مقوله را هم وابسته به غرب ندانید) آشنائی دارید ولی من که تاکنون دو کودک را به سنین هشت و شش سالگی رسانده ام میدانم که شیر گاو تازه و سالم (که با اعتقاد شما و لابد بخاطر اینکه سخنگوی وزارت بهداشتی و بهزیستی هستید در لبنیات فروشی نزدیک منزلتان به فراوانی پیدا میشود) برای نوزادان حداقل زیر یکسال قابل هضم نیست و او را با انواع بیماریهای تبمالت و خونی ریزی معده و غیره مبتلا می کنند و حتی طب سنتی هم چنین چیزی را تجویز نمی کند و ما هم میدانیم که هیچ چیز گرانتر از شیر مادر نیست.

اما بگوئید تکلیف بیشتر مادرانی که شیر ندارند چیست؟ و حتی اگر قبول کنیم که بتوان به نوزاد از شیر پاستوریزه و تازه و سالم گاو و گوسفند داد، شما بگوئید آیا همه ی این شیرهایی

بقیه در صفحه هفتم

زمین و آب باید ملی گردد و به خانواده های کشاورز سپرده شود

ارگان حزب ملت ایران

## گفتار هم‌رزم داریوش فروهر

با سیاست از شما که در برگزاری این آئین با حضور خود یاران کارگر من را شاد کرده‌اید، پیرامون اینکه نقش کارگران ایران در خلع ید از استعمار در روز ۲۹ خرداد چه بوده است و چرا حزب ملت ایران این روز را روز کارگران ایران نامیده است، با شما سخن می‌گویم.

بسیار کوشش میشود و این کوشش در گذشته بیشتر بود که، در بررسی اجتماعی و تاریخی انقلاب اسلامی ملت ایران چند سالی بیشتر عقب برنگردیم، حال آنکه این انقلاب زائیده نهضتی ریشه‌دار در تاریخ ایران بوده است و هر روز بیشتر روشن میشود که این انقلاب اگر از رهنمودها و آزمون‌های گذشته پند نگیرد و راه درست و سنجیده‌ای در پیش روی آن گشوده نشود، مادر آینده روزهای تیره و تاری خواهیم داشت، پس بجاست که در هر فرصت، این روشنگری پیرامون گذشته‌ها انجام گیرد تا هم دشمنان برون مرز و هم آنان که در درون کشور دست در کار توطئه دارند خوب بدانند که با نهال نوپایی روبرو نیستند و این درخت تناوری شد که خون ده‌ها هزار شهید آنرا شکوفا و بارور کرده است، و هیچ نیرویی، هیچ توطئه‌ای در جهان، توانائی در هم شکستن آن یعنی توانائی در هم شکستن اراده ملت ایران را ندارد.

باز هم باز می‌گردیم به سالها پیش به سی و یکی دوسال پیش، در میهن ما بعد از اشغال کشور وسیله قشون‌های بیگانه که به هر حال سلطه رضاخانی را هم پایان داد، در برابر شکل‌گیری نیروهای که پیروی از مبارزه خاصی میکردند و هوادار سیاست موازنه مثبت بودند، یک سیاستی که در صد و پنجاه سال گذشته تاریخ ایران نقشهای ناخوش آیند بسیار بازی کرده و همواره دو جناح داشته است، سیاست موازنه منفی در برابر این سیاست پیدا شد و شکل گرفت. سیاست موازنه مثبت می‌گفت که ما در تنگنای استعمار دو قدرت امپریالیستی که بعدها قدرت دیگری هم در کنار یکی از آنها قرار گرفت گیر کرده‌ایم و باید برای بقای هستی ملت خود در کنار این دو قدرت امپریالیستی موازنه مثبت را رعایت کنیم، یعنی هر چه داریم از منابع طبیعی و انسانی تنها بخش کوچکی، از آن خود ما باشد و بخش عمده آن میان دو ابر قدرت یا همانگونه که گفتیم بعد از جنگ جهانی دوم میان دو ابر قدرت انگلیس و آمریکا از یک سو و ابر قدرت روس از سوی دیگر تقسیم شود.

در میان این سیاست شوم، چهره سیاسی موازنه منفی وجود داشت که میگفت ما باید هر آنچه را در طول سالیان دراز سلطه بیگانه از دست داده‌ام، باز پس بگیریم در حین بازپس گرفتن یکی از منابع طبیعی یا امتیازهایی که به یک ابر قدرت داده شده است خشم آن را با کاهش نیروی ابر قدرت دیگر از میان ببریم و یک تعادل در مبارزه ایجاد کنیم که از هر دو سوانچه از ما گرفته‌اند پس بگیریم.

این سیاست را سالها پیش مدرس بزرگ پس از جهانگیر نخست رقیب زد و آنرا «توازن عدمی» نامید، سالها بعد بخصوص پس از جنگ جهانی دوم دکتر مصدق توانست این سیاست را روشنی بیشتری ببخشد و به آن نام سیاست «موازنه منفی» داد و همه عمر از این خط خارج نشد و امروز در اوج پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران ما می‌بینیم که تنها و تنها شگرد پیروزی آفرین، در سیاست خارجی برای بقای هستی این ملت همچنان پیروی از سیاست موازنه منفی در برابر هر امپریالیسم، از آمریکا، انگلیس و روس است.

خط سعادت ملتها همواره در بستر تاریخ یکی است و آنها که در این خط حرکت میکنند هر ظاهری برای آن بسازند در بطن آن بخاطر ملت و بخاطر سعادت ملت حرکت میکنند.

برمی‌گردم به رویدادهای تاریخی در حرکتهای نخستین شکل بخشیدن به نهضت ملی، استعمار بیگانه برای اینکه از نخستین حرکتهای هم پیش‌گیری کند یک نظامی، سپهبد حاج علی رزم‌آرا را روز پنجم تیرماه ۱۳۲۹ پس از استعفای منصورالملک به روی کار آورد و امیدوار بود نهضت نوپای ملت ایران را نابود کند، همچنانکه این طرز فکر سالها بعد در دوسال پیش هم تکرار شد و گمان کردند که نهضت ملی ایران را باروی کار آوردن یک چکمه پوش از حرکت باز خواهند داشت. مردم مبارزه را ترک نکردند هر روز نهضت گسترش یافت و سرانجام زیر شعار ملی کردن صنعت نفت همه گروههای اجتماعی شکل گرفتند و سازمان یافتند، رزم‌آرا که بدترین اهانتها را به مردم می‌کرد و نیروی مردم را نادیده می‌گرفت و ادعا داشت که ایرانی نمی‌تواند حتی لوله‌نگ بسازد چگونه می‌خواهد صنعت نفت را با این همه پیچیدگی اداره کند، بدست توانائی که از آستین ملت بدر آمد به کیفر رسید و مغز کثیف او در صحن مقدس مسجدی، بدست فرزند توانای ایران خلیل طهماسبی متلاشی شد و نهضت سنگ پاره‌ای را که در راه آن قرار گرفته بود به سویی افکند.

پس از چند روز تردید، خدعه‌ای تازه کردند و دولت به ظاهر دارای صلاحیتی را روی کار آوردند یکی از کسانی که مبارز صدر مشروطیت شناخته میشد، از همانگونه مبارزانی که باغربزدگی خود نهضت و انقلاب مشروطیت را به بیراهه کشیدند، حسین علاء نخست وزیر شد.

این دولت وظیفه داشت به شکلی دیگر اینبار نه از راه زور بلکه با فریب و با احترامهای ظاهری به اعتقادهای مردم با تاجیل از شخصیتهای سیاسی و مذهبی که مردم را رهبری میکردند، راه را به حرکت نهضت ملی ببندد و به هر شکل شده از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت جلوگیری کند.

ولی کوشش پی‌گیر مردم بپاخاسته به رهبری مردی، و در کنار او

مردانی که می‌دانستند چه میخواهند، می‌دانستند به کجا میروند و هرگز ملت را سرگردان نمی‌گذارند راه را گشود و قانون ملی شدن صنعت نفت در ۲۶ اسفند در مجلس شورا و در ۲۹ اسفند در مجلس سنا، زیر فشار افکار عمومی تصویب شد.

بی‌درنگ دولت استعمار ساخته و اربابان حیل‌گر آن راه تازهای پیش گرفتند، نفت ملی شده!! باشد ما هم قبول داریم، اما نوع خاصی از آن را و این اصطلاح خنده‌آوری بود که آن روزها فرستادگان انگلیس و همراهان آمریکائی آنان پیوسته تکرار می‌کردند، «ما نوعی از ملی شدن صنعت نفت را قبول داریم»، ولی ملت ایران ملی شدن صنعت نفت را به معنای واقعی کلمه میخواست یعنی آنچه که در کار استخراج و تصفیه و سرانجام صدور است، همه به دست ایرانی باشد و بوسیله ایرانی انجام گیرد.

کوشش دکتر مصدق و یاران او برای نوشتن لایحه قانون طرز اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در ماه فروردین و اردیبهشت پی‌گیرانه ادامه یافت و وقتی این قانون در شرف تصویب بود علاء که تمام نقش خود را بر آب شده میدید روز هفتم اردیبهشت استعفاء داد به بهانه آنکه، کمیسیون نفت بدون مشورت با من تصمیم گرفته است.

دشمن برای اینکه دکتر مصدق را خلع سلاح کند و بتواند جلوی تصویب این قانون را که افکار عمومی یک‌پارچه خواستار تصویب آن بود بگیرد و سپس یکی از دست نشاندهگان خود را روی کار آورد، با این فکر که دکتر مصدق در سن هفتاد و یک سالگی ضعیف است، و پس از آن همه شکنجه و زندان و تبعید توانائی انتقاد هم اگر دارد، توانائی ساختن و دولتمرد بودن نخواهد داشت، هنگامی که استعفاء علاء طرح شد یکی از نزدیکان به دستگاه حاکم و به بیگانگان پیشنهاد کرد، خود شما نخست‌وزیری را بعهده بگیرید، دکتر مصدق که بارها بارها در بزنگاه‌ها پیشنهاد نخست‌وزیری را رد کرده بود، در این لحظه میدید که همه سرنوشت نهضت در میان است و اگر این بار هم آنچنانکه همیشه به علت ناتوانی مزاجی کار نخست‌وزیری را رد میکرد، این پیشنهاد را رد کند، دشمن همه چیز را بر باد خواهد داد به همین دلیل بی‌دغدغه خاطر به یک شرط نخست‌وزیری را پذیرفت و آن شرط تمامیت بخشیدن به قانون ملی شدن صنعت نفت بود یعنی تصویب قانون طرز اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت از سوی دو مجلس، قانونی که بعدها نام «خلع ید» بخود گرفت.

با چنین روشن‌بینی و درستاندیشی و تصمیم‌گیری به هنگام. دکتر مصدق از وجود خود مایه گذاشت تا نهضت ملی را نجات دهد مجلسین ناگزیر شدند در برابر شرط دکتر مصدق و در برابر فشار افکار عمومی که یک قدم به عقب نمی‌نشست به این قانون رای بدهند و روز هفتم مجلس شورای ملی و روز نهم مجلس سنا قانون «خلع ید» را تصویب کردند، قانونی که دولت را وظیفه‌دار میکرد که در ظرف سه ماه از کلیه تاسیسات شرکت نفت انگلیس و ایران، خلع ید کند و حاکمیت ایران را استقرار دهد.

هر دو مجلس زیر فشار افکار عمومی به دکتر مصدق رای تمایل دادند، و برنامه دولت دکتر مصدق خیلی ساده و کوتاه بود برخلاف غربزدگان که برنامه‌هایی با فصل‌های زیاد می‌چیدند ولی هرگز عملی نمیکردند، در چند سطر خلاصه میشد اما در هنگام اجرا، جهانیان دیدند که این برنامه کوتاه چه فصلی را در تاریخ ایران گشود، دکتر مصدق در همین برنامه کوتاه همه آنچه را که حاصل یک عمر تجربه بود گنجانده، همیشه می‌گفت کشور بدون استقلال و آزادی نمی‌تواند زندگی درست داشته باشد در اینجا هم برنامه او نشانگر همین دو اصل است. سیاست داخلی دکتر مصدق دو بند دارد:

«یکم- اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بر طبق قانون طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت و تخصیص عواید حاصله از آن به تقویت بنیه اقتصادی کشور و ایجاد موجبات رفاه و آسایش مردم.

دوم- اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداری‌ها» سیاست خارجی او یک بند بیشتر نبود «سیاستی مبتنی بر منشور ملل متحد، تقویت این سازمان بین‌المللی و دوستی با کلیه دول و احترام متقابل نسبت به همه ملل.»

دکتر مصدق بی‌درنگ موجبات رفاه هیأتی را برای خلع ید فراهم کرد، امپریالیستها کوشیدند با فرستادن هیأت‌های گوناگون نمایندگی کار را به گفتگو بکشاند و هر روز بر غارت خود بفرزاندند، در عین حال ناوگان آنچنانی امپراطوری آبرور انگلستان، اهی خلیج فارس شد و با استفاده از قراردادی که به واسطه یک کشور همسایه داشت در برابر آبادان در رودی پهلو گرفت و تهدید هم آغاز شد.

ولی نه آن آمد و رفت‌ها و تلمیح‌ها و تهدیدها در اراده آهنین رهبر ملت اثری نگذاشت و روزیازدهم خرداد نماینده فوق‌العاده دولت برای اداره استان خوزستان به اهواز رفت.

روز جمعه هفدهم خرداد یک هیئت مدیره ایرانی مرکب از سه نفر برای اداره صنعت نفت به اهواز رفت و سپس هیئت نظارت که از نمایندگان مجلس انتخاب شده بودند روز هجدهم خرداد با یک هواپیمای ارتشی به اهواز رفتند و همین حرکت نشان داد که همه حتی ارتشی که سالیات دراز برای مأموریت دیگری ساخته شده بود در این مبارزه در کنار ملت و وزیر فرمان دولت ملی قرار گرفته است.

هیئت مدیره موقت و هیئت نظارت و نماینده دولت روز بیستم خرداد به خرمشهر رفتند و تابلو هیئت مدیره موقت را بر بالای ساختمان مرکزی شرکت سابق نفت انگلیس و ایران برپا داشتند.

از اینجا و پیش از رسیدن به روزافتخار آمیز خلع ید روز ۲۹ خرداد، اندکی به عقب برمی‌گردم تا بگویم که چرا من و هم‌زمانم اعتقاد داریم برجسته‌ترین نقش رادر خلع ید از استعمار، کارگران صنعت نفت

داشتند و بحق است که این روز «روز کارگران ایران» شناخته شود هنوز مر کب قانون ملی شدن صنعت نفت خشک نشده بود که در تعطیلات نوروزی شرکت استعماری اعلام کرد بخشی از حقوق و امتیازهای کارگران صنعت نفت کسر خواهد شد و طبیعی بود که طوفان خشم در میان آنها بر خواهد خاست

در اینجا جناح دیگر موازنه مثبت هم به میدان می‌آید همانهایی که در تمام طول جنگ جهانی دوم از ساختن یک اتحادیه و یک سندیکای کارگری در خوزستان به عنوان اینکه به جریان نفت به سود متفقین لطمه می‌زند خودداری کرده بودند در این هنگام به شایعه‌سازی و دسیسه پرداختند بی‌درنگ اعتصاب گسترده‌ای که همه جارا به اختلال کشید، آغاز شد و این در حالی بود که در تهران و سایر گوشه‌های ایران کوشش میشد که قانون طرز اجرای قانونی ملی شدن صنعت نفت به تصویب برسد و دولت هم با همه نیرو به این اختلال دامن می‌زد.

دولت بجای اینکه شرکت نفت را از چنین توطئه‌ای بازدارد، بجای آنکه کارگران را اطمینان دهد که منافع و حقوق آنان حفظ خواهد شد به حربه خاصی که همواره یک تازان متوسل میشوند، متوسل شد و اعلام حکومت نظامی در خوزستان کرد.

مصدق در نطق تاریخی خود در مجلس شورای ملی در سه شنبه ۲۷ فروردین ماه

۱۳۳۰ یعنی ده روز پیش از استعفاء دولت علاء در رابطه با ادامه اعتصاب کارگران شرکت نفت و اعلام حکومت نظامی می‌گوید «بعد از ملی شدن صنعت نفت یک سلسله عملیات در معادن نفت جنوب روی داده» و در تشریح این عملیات می‌گوید «کمپانی اینستور خواست که بدینا بفهماند که اگر صنعت نفت ملی بشود دولت ایران قادر به بهره‌برداری از آن نخواهد بود، در صورتی که همه می‌دانند اگر دولت ایران بفرض نتواند تاسیساتی مثل تاسیسات کنونی شرکت نفت برپا کند بدون تردید حتما قادر است از معادن خود.... بهره‌برداری نموده و دست کمپانی غدارا از سیاست استقلال شکنانه ایران کوتاه کند.

من عرض میکنم هر کس از ابتدائی‌ترین حق خود که داشتن یک لقمه نان برای امرار حیات است محروم شود حق دارد از حقوق دفاع مشروع استفاده کند و آن اعتصاب است: سپس می‌گوید «آپاوظیفه دولت نبود که اول به حرفهای اعتصاب کنندگان رسیدگی و معلوم کند که پس از ملی شدن صنعت نفت چه موجباتی پیش آمده که شرکت نفت از حقوق حقه کارگران بکاهد یا اینکه تن به حکومت نظامی بدهد و بطوری که شایع است پس از انتشار خبر حکومت نظامی از رادیو لندن حکومت نظامی را اعلام نماید.»

و سپس اعلامیه جبهه ملی را که شب قبل داده شده بود می‌خواند که بخشهایی از آنرا اینجا نقل میکنم، در آغاز اعلامیه آمده است هموطنان کارگر:

شرکت نفت این بار مستقیماً و بدون حاجت به پرده پوشی شما کارگران هنرمند ایرانی را که در سخت‌ترین شرایط زندگی و به حساب یغمای پنجاه ساله او به استخراج طلای سیاه مشغول بوده‌اید با کسر مبلغی از حقوق ناچیزتان به اعتصاب واداشته و در ادامه موجبات اعتصاب و عصبانی نمودن شما از هر گونه اقدام تحریک آمیز خودداری نکرده و طبعاً دامنه این نگرانی و ناراحتی را اگر به اوج جالی داده شود به نقاط دیگر کشور نیز سرایت خواهد داد.»

در قسمت دیگر این اعلامیه آمده است «در عین حال که از دولت می‌خواهد هر چه زودتر شرکت نفت را مکلف کند آن قسمت از حقوق و اضافات کارگران را که به بخل و بخلی

حق به منظور ایجاد نگرانی و برای اجرای نقشهای شوم خود کسر کرده بپردازد از از هموطنان و برادران کارگر خود تمنا دارد بانهایت هوشیاری در کمال آرامش و خونسردی مراقب این تحریکات و دسیس مدام حریف کهنه کار نیز باشند و متانت خود را به هیچ صورت از دست ندهند و همواره متوجه باشند که فقط در پناه حفظ نظم و تسلط بر اعصاب، ملت ایران موفق خواهد شد از اوضاع دنیا که برای تحقق آمل و خواسته‌های او فوق‌العاده مناسب و مساعد است استفاده کامل کند،

چند روزی نمی‌گذرد که چنانچه گفتیم با استعفاء حسین علاء و تصویب قانون خلع ید، دکتر مصدق زمام کشور را بدست می‌گیرد، دکتر مصدق هنوز دولت خود را تشکیل و به مجلس معرفی نکرده بود که در نخستین پیام رادیویی خود در شب یازدهم اردیبهشت ماه به مناسبت فرارسیدن روز اول ماه مه، روز جهانی همبستگی کارگران گفت «تقاضای دوم من از هموطنان عزیز کارگر است که آنها را مثل فرزندان حقیقی خود دوست دارم و میدانم آنها زحمت میکشند و نان میخورند و از کار دیگران سوء استفاده نمی‌کنند.

امیدوارم فردا که بمناسبت روز اول مه که عید کارگران دنیاست و آنها هم بالطبع در آن جشن بزرگ شرکت میکنند، طوری رفتار نمایند که نظم و ترتیب و آرامش آنها برای دیگران سرمشق شود.

کارگران ارجمند و عزیز ما، می‌دانند که جبهه ملی از ابتدای تشکیل خود برای بسط دموکراسی و تامین آزادی و مخصوصاً برای فراهم کردن موجبات رفاه و آسایش طبقات محروم مملکت مبارزه کرد و راه نجات ملت ستمدیده ایران و وصول به این مقاصد ملی را در استقلال اقتصادی و تسلط بر صنایع ثروت ملی تشخیص داده است. و در بخش دیگری از این پیام گفت «اطمینان دارم کارگران هوشیار ما با حفظ نظم و آرامش و جلوگیری از بروز اغتشاش این بهانه را هم از دست دشمنان خواهند گرفت و بدینا ثابت خواهند کرد که ملت ایران راه را از چاه تشخیص میدهد.»

بقیه در صفحه هفتم

تشکل کارگران در اتحادیه‌ها و سندیکاها ضرورت دوران سازندگی انقلاب است

# در ماندگی حکومت

## «مشقت به حد نهایت رسید»

کار در ماندگی حکومت به آنجا کشیده است که مردم در باورهای خود به تردید افتاده‌اند. بسیاری را نظر بر این قرار گرفته که در ماندگی تا به این حد، چیزی طبیعی و باور کردنی نمی‌باشد و میگویند دستهایی در کار است تا نظام زندگی مردم را از هم به پاشد و آنان را از انقلاب روی گردان سازد.

نمی‌توان در بست نظر این گروه را پذیرفت، شاید در میان کاربدستان دولتی، افرادی با آگاهی و اندیشه قبلی در صدد بر آشفتن کارها و تسلیخ ساختن زندگی بر مردم باشند ولی با روشنی باید بیان کرد که هیچ قدرت فکری یاری طرح ریزی برای این انداره پرسیانی و نابسامانی را ندارد.

ناتوانی و در ماندگی و بی‌خبری کاربدستان کشور را باین دشواری‌های گوناگون روبرو ساخته است.

کار در ماندگی حکومت به آنجا رسیده که از توزیع سیگار در کشور عاجز آمده است و سیگار ساخت یک بنگاه دولتی به گونه‌ی پنهانی چهار برابر قیمت رسمی آن به فروش میرسد و در هیچ‌کدام از فروشگاههای دولتی نشانی از آن نیست.

پخش شیر و اندازه پاکت شیر «مسئله» است میگویند پاکت کوچک نیست و فقط پاکت بزرگ وجود دارد ولی ارسوی دیگر پاکت کوچک هم در جریان پخش است، اما به همه نمی‌رسد، کاربدستان کشور اعلام میدارند که برای وارد کردن کالاهای مورد نیاز با هیچ دشواری روبرو نیستند و بسیاری کشورهای دییبه

گرددانندگان یک موسسه دولسی نقص کار خود را در پخش شیر با این بیان توجیه میکنند که «پاکت کوچک ندارند.»

ما یقین داریم که خریداری و وارد کردن پاکت کوچک برای شیر، در هر حال میسر و ممکن و کاری است بسیار آسان، ولی نمیدانیم چرا کار بدستان کشور در چنین کار ساده‌ای در ماندند، چرا مقداری پاکت کوچک شیر وارد نمی‌کنند تا کارخانه شیر از این دشواری بهره‌مند شود.

کار ساختمان سدها را آنقدر این دست و آن دست کردند تا بی‌آبی در تهران پدیدار شد، کمبود آب تهران از مدت‌ها پیش، و از سالها پیش، احساس و برای آن برنامه‌ریزی شده بود، و سدهائی در اینجا و آنجا میساختند. ساختمان همه این سدها یا تعطیل شد و یا به کندی بسیار صورت گرفت، سدی که باید آب به تهران میرسانید، ساختمانش هر چه کندتر شد و وقت گرانبهای کشور به گفتگو با پیمانکار گذشت و نتیجه اینکه آب هم «مسئله» شد.

از سیگار و شیر و آب که بگذریم به گوش میرسیم، گوشت هم «مسئله» است مسئله‌ای پیچیده‌تر از بسیاری دیگر، دولت ریه‌های هنگفت بابت گوشت تحمل میکند ولی صف طولانی خریداران گوشت در کنار دکه قصاب و گفتگوهای مفصل و قانون‌های گوناگون ناظر بر گوشت و سخنرانی‌های درخشان کارشناسان گوشت، حکایت از آن دارد که این مسئله به آسانی و در آینده نزدیک حل نخواهد شد و ما باید مسئله گوشت را در فهرست مسئله‌های

کشور، خود تا مدت‌ها حفظ کنیم. از سیگار و شیر و آب و گوشت که بگذریم به اتوبوس و تاکسی میرسیم گفتند برای آنکه «تودگی» هویش را از حد تحمل گذشته و برای آنکه خیابانهائی - بهر کشتش لازم برای همه اتومبیلهای شخصی را ندارد، پس در ساعت‌های معینی اتومبیل‌های شخصی را به مرکز شهر نیاورند و اتوبوس‌های دولتی و تاکسی‌های خصوصی، همه را به محل کارشان خواهند رسانید ولی صف خواستاران تاکسی و اتوبوس، به گونه‌ی تقریبی در سرتاسر خیابانهای تهران، عرق شرم بر چهره هر بیننده مینشانند. تاکسی و اتوبوس بیشتر هم مسئله بود اینک «مسئله‌تر» شده است.

از سیگار و آب و شیر و گوشت و اتوبوس که بگذریم به مسکن میرسیم قیمت خانه و اجاره بر اثر انقلاب، به خودی خود، کاهش یافته بود ولی کار بدستان کشور، نتوانستند آرامش و تعادلی نسبی را که در کار مسکن پدید آمده بود تحمل کنند، پس آنقدر درباره مسکن گفتند تا سرانجام «مسکن» را هم به مسئله‌ای هولناک تبدیل کردند.

با صراحت و با قاطعیت اعلام میکنیم نابسامانی و گرانی و وحشت‌آوری که در کار مسکن پدید آمده فقط و فقط ناشی از سیاست‌های اعتباری و سستی و ناتوانی کاربدستان است و اینکه مسکن «مسئله» ای است که در پیچیدگی و دشواری از گوشت هم فراتر است.

از سیگار و شیر و آب و گوشت و اتوبوس و تاکسی و مسکن که بگذریم به «اشتغال» میرسیم. بر خیل بیکاران، هر روز افزوده میشود، بیکاری همچون آفتی جانگداز، خانواده‌ها و جوانان را می‌سوزاند، تعادل روانی و عصبی آنها را مختل میدارد هر روز از هر سو فریاد اعتراض بیکاران بلند است و هر روز خطرناک شدن این مشکل به مقامات حکومتی گوشزد میشود ولی کار بدستان کشور با سیمائی فیلسوفانه از روشن ساختن تکلیف بیکاران طفره می‌روند و دست بالا به سخنرانی می‌پردازند که بر روید در بیابانها کار بکنید «مسئله بیکاری» زخمها بر پیکر اقتصاد و روانشناسی جامعه ما وارد می‌کند که درمان آنها به آسانی و شاید تا سالها میسر نباشد، و بی‌اعتنائی و خونسردی کاربدستان در این مورد به راستی بخشدنی نیست.

از سیگار و آب و شیر و گوشت و مسکن و اتوبوس و تاکسی و اشتغال که بگذریم به کتابهای درسی میرسیم کاربدستان کشور نتوانسته‌اند کتاب درسی برای بچه‌ها فراهم آورند و در پیچ و خم

این کار ساده چنان در مانده‌اند که گوئی می‌خواهند ساخت منظومه شمسی را در گروگن سازند. «کتابهای درسی» هم برای خود «مسئله‌ای» شده و کارش به سخنرانی و صدور اطلاعیه رسیده است.

از سیگار و آب و شیر و گوشت و مسکن و اتوبوس و تاکسی و اشتغال و کتاب درسی که بگذریم به مسئله شگفت دیگری میرسیم که «توزیع پیکان» و سایر اتومبیل‌های ساخت ایران است، خریداری پیکان کار همه کس نیست، پیکان که در یک کارخانه صادر شد دولتی ساخته میشود راههایی به بازار آزاد یا بازار سیاه میرسد.

قیمت پیکان در بازار سیاه چون رقم‌های افسانه‌ای شده است و برای خریداری یک اتومبیل ساده ساخت کشور مردم ایران باید مبلغ‌هایی بپردازند که باور کردنی نیست.

خریداری اتومبیل پیکان به دو عامل نیاز دارد سرمایه‌ای برابر گنج قارون و سیاستی چون سیاست تالیران.

از سیگار و شیر و آب و تاکسی و اتوبوس و مسکن و گوشت و اشتغال و کتاب درسی و توزیع پیکان که بگذریم با غول وحشت‌آور دیگری به نام «گرانی» یا «تورم» روبرو میشویم کالاهای ضروری و اولیه مورد نیاز مردم، قیمت‌های باور نکردنی یافته‌اند و این قیمت‌ها هر روز در افزایش است و در متن «تورم» هر کالا مسئله‌ای است، زردآلو و گیلان و کاهو و پنیر و کاغذ و چلووار..... هر کدام «مسئله‌ای» است که هر لحظه گلوله‌های خانواده‌ها را می‌فشارد. گرانی رقم از مردم بازستانیده است.

افزایش بیشتر قیمت‌ها، بی هیچ تردید، خطر را بر خواهد انگیزد و ضربه‌های کاری بر بافت و ساخت اجتماعی ما وارد خواهد آورد ولی کار بدستان کشور ناتوان‌تر از آنند که این خطر را تشخیص دهند و یا بتوانند برای پرهیز از آن راهی بیابند.

دشواری‌هایی که زندگی ما را فرا گرفته بسیار فزونتر از اینها میباشد و زندگی ما سرآپا «مسئله» شده است، زندگی را در سراسر کشور، سخت و تلخ کرده‌اند چندان سخت و تلخ که بر هر زبان جز فریاد اعتراض و پرخاش نیست.

دشواری‌های زندگی شعر سعدی فرزانه را به یادها می‌آورد که باید آنرا خطاب به کاربدستان کشور خواند. ندیدی که سختی به غایت رسید. مشقت به حد نهایت رسید.

### از خبرهای هفته

## تلاش برای پایان دادن به اشغال افغانستان

دومین اجلاس کمیته دائمی کنفرانس وزیران خارجه کشورهای اسلامی برای یافتن راه حل بحران افغانستان در روزهای سی‌ام و سی‌ویکم خردادماه در پسون‌بلرن سویس تشکیل شد.

در پایان این کنفرانس که وزیران خارجه کشور جمهوری اسلامی ایران و دولت پاکستان و دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی و نمایندگان مجاهدان افغانستان شرکت داشتند اعلامیه‌ای در سیزده ماده به تصویب رسید.

در این اعلامیه «از آلام و مشقات همه جانبه‌ای که به مردم افغانستان وارد شده است از جمله شداید تحمیل شده بر زنان، اطفال و افراد مسن و نیز از باب کمبود شدید غذا، پوشاک، کمک‌های دارویی و احتیاجات اساسی زندگی که معلول انهدام وسیع دهات و شهرها و مسموم کردن مخازن آب و سایر شداید ناشی از عملیات گروه‌های نظامی خارجی میباشد، اظهار نگرانی عمیق» شده است.

همچنین در این اعلامیه «خروج کامل، فوری و بی‌قید و شرط قوای شوروی از سرزمین افغانستان رعایت استقلال سیاسی، حاکمیت و رویه غیر متعهد افغانستان و هویت اسلامی این کشور، رعایت حقوق غیر قابل انکار مردم افغانستان جهت تعیین شکل دولت خودشان و اختیار سیستم اقتصادی و سیاسی و اجتماعی فارغ از هر نوع مداخله یا عمل قهرآمیز خارجی و ایجاد شرایط مقتضی که موجب بازگشت پناهندگان افغانی به زادگاه آنها در شرایط امن و آبرومند شود» خواسته شده است.

کمیته دائم به مجاهدین افغانی درباره الحاق کامل به این اصول اساسی در زمینه جستجوی راه حل مسالمت‌آمیز برای بحران افغانستان با انجام مشورت لازم با کلیه اطراف ذیربط اطمینان دارد و نمایندگان مجاهدان نیز برای همکاری با کمیته دائم در محدوده اصول فوق‌الذکر اعلام آمادگی کردند.

کمیته دائم از اینکه به دنبال اشغال نظامی افغانستان از سوی شوروی، افزایش حضور نظامی و دائمی ابرقدرتها در منطقه آسیائی جنوب غربی و اقیانوس هند، امنیت کشورهای این منطقه، بویژه کشورهای اسلامی را به خطر می‌اندازد اظهار نگرانی عمیق کرد.

کمیته دائم تصمیم گرفت که در عین کوشش برای یافتن راه حل مسالمت‌آمیز، هر گونه کوشش لازم را برای بسیج کردن و تحصیل کلیه امکانات و کمک‌های بشردوستانه به مردم رنج‌دیده افغانستان، انجام دهد.

امید که به یاری همه نیروهای ضدامپریالیستی جهان، اشغال افغانستان هر چه زودتر پایان یابد و برای برادران و خواهران افغانی، شرایط زندگی انسانی و بدور از سلطه و دغدغه فراهم گردد.

## اطلاعیه‌های کانون ابلاغ اندیشه‌های شریعتی

در اطلاعیه‌ای که از سوی کانون ابلاغ اندیشه‌های شریعتی در مورد حوادث هفته گذشته امجدیه انتشار یافت، مجروح شدن خبرنگار عکاس کانون با سه گلوله مورد اعتراض قرار گرفته است.

در این اطلاعیه همچنین آمده است: «آیا این اعمال وقیحانه و حملات علنی و آدم‌کشی‌های ددمنشانه، موافق قانون اساسی و انقلاب میباشد؟ چگونه میشود که امروز کوچکترین حرکتهای داخلی گروه‌های مخالف از نگاه مسئولین دور نمی‌ماند ولی لشکرکشی‌های مسلحانه و منظم و سازمان یافته نادیده گرفته میشود؟» و در جای دیگر آمده است «بالاخره میسرسیم ما چگونه خواهیم توانست مراسم سالگرد معلم انقلاب، شهید شریعتی، را برگزار نمائیم در حالی که جان صدها هزار انسان در خطر ضربات چاقو و لگد و گلوله قرار خواهد گرفت؟»

این کانون در اطلاعیه‌ای دیگر که این هفته در رابطه با مراسم سالگرد دکتر شریعتی منتشر کرده آورده است: «امت قهرمان ما اولین سالگرد شهادتش را در حاکمیت اختناق رژیم شاه، بسیار باشکوه برپا داشت.»

با فرارسیدن بهار آزادی، دومین سالگرد هجرت و شهادت معلم به امید استقلال و آزادی و برابری در راه تحقق توسعه اسلام نبوی و تشیع علوی بر گزار گشت. اما در سومین یادواره، ما شاهد یورشهای جدیدی بودیم. معجون غریب..... به مراسم هجرت معلم، با چماق و چاقو حمله نمودند و فرزندان را مجروح و مضروب ساختند و جان تمامی پیروان راه معلم این بار، دیگر بی هیچ توجیه قانونی در معرض نابودی قرار گرفت.»

### آگهی حصر وراثت

آقای امیر هوشنگ نریمانی چارانی بشناسنامه ۱۱۱۵ بشرح دادخواست کلاسه ۴۳۱/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان عبدالصمد نریمانی چارانی بشناسنامه ۹۶ در تاریخ ۵۸/۵/۱ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضی و عبدالمجید نریمانی چارانی بشناسنامه ۴۳۰۲۷ و محمدسعید نریمانی چارانی بشناسنامه ۱۶۷۰ پسران و آذر دخت نریمانی چارانی بشناسنامه ۸۰۳ و فاطمه نریمانی چارانی بشناسنامه ۲۰۳۱ و مریم نریمانی چارانی بشناسنامه ۲۵۲۹۹ دختران و نصرت سرشت گل بشناسنامه ۸۰۵۲ همسر دائمی.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته برد اشخاصی باشد طرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد وهر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعده ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران - عبائی ۳-۱

### آگهی حصر وراثت

آقای غلامعباس فراهانی صبا بشناسنامه ۱ بشرح دادخواست کلاسه ۷۳۴/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان عزیزاله درمکی فراهانی بشناسنامه ۲۵۱ در تاریخ ۵۷/۱۲/۱۶ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضی و رئیس‌العابدین فراهانی صبا بشناسنامه ۴ پسران و صدیقه درمکی فراهانی بشناسنامه ۴۸۶ و صدیقه درمکی فراهانی بشناسنامه ۱ و صدیقه درمکی فراهانی بشناسنامه ۱۵ و عدرا درمکی فراهانی بشناسنامه ۷ دختران و فاطمه سلطان درمکی فراهانی بشناسنامه ۳۷۱ همسر دائمی.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته برد اشخاصی باشد طرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد وهر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعده ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران - عبائی ۳-۱

# نظم و کار، پایندان پیروزی دوران سازندگی انقلاب

# معنویت و اقتصاد

کار بدستان کشور در باره چگونگی برطرف کردن دشواری‌های اقتصادی از طریق معنویت توضیح بیشتری نداده‌اند ولی از آنجا که دشواری‌های اقتصادی کسوی ایران، در آینده‌ای نه چندان دور، تلاطم‌های بزرگ اجتماعی بر خواهد انگیزد و مصیبت‌ها پدید خواهد آورد جای آن دارد که این پندار کار بدستان کشور را شکافت و توانایی‌های معنویت را در ردود دشواری‌های اقتصادی آشکار ساخت.

بی‌گفتگو، نظام اخلاقی و روانی جامعه در حیات اقتصادی آن اثر دارد و بی‌گفتگو، حاصلت‌ها و روش‌های زندگی گروه‌های اجتماعی گوناگون ساخت و روند اقتصادی اثر می‌گذارد. اگر منظور از معنویت همین نظام اخلاقی و روانی و حاصلت‌ها و روش‌های زندگی گروه‌های اجتماعی گوناگون است، اثر گذاری این عامل‌ها در روند و ساخت اقتصادی، قابل پذیرفتن می‌باشد.

بی‌هیچ تردید روش‌ها و حاصلت‌هایی چون اختکار کالاها ذخیره و از گردش خارج کردن پول، فرار دادن سرمایه به خارج کشور، بی‌تحریکی اقتصادی، که‌بود یا فقدان مهارت و کم‌طاقی و کم‌حوصلگی در پیروی کار و ولنگردی و قلندر مانی و ستوروری و سودجویی و بی‌اعتنائی به هستی ملی نمی‌تواند در فعالیتهای اقتصادی اثر نگذارد.

اثر گذاری این عامل‌ها در حیات اقتصادی، آشکار است و جای شک ندارد ولی آنچه گفتگو انگیز می‌باشد نخست اندازه تأثیر آنها و دوم ریشه‌های رشد و پرورش و حرکت این عامل‌ها است.

هیچ عامل غیر اقتصادی، در حیات اقتصادی، اثر تعیین کننده ندارد زیرا اثر داشتن یک حرف است و اثر تعیین کننده داشتن حرف دیگر، بی‌تحریکی بخش خصوصی و گرایش بسیار شدید آنها به سودجویی بی‌هیچ تردید، در پدید آوردن بیکاری و گرانی اثر می‌گذارد.

ولی در کشوری که همه چشمه‌های اصلی درآمد در

دوم آنکه: سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، در همه کشورهای کم رشد در پی و به دنبال سرمایه‌گذاری دولتی

می‌آید و رکود اولی به طور طبیعی رکود دومی را به دنبال دارد که نتیجهی ساخت تاریخی این جامعه‌ها است.

سوم آنکه: سرمایه‌گذاری بخش خصوصی فقط در فضای امن قضایی می‌تواند صورت گیرد و در گفتگو از «فضای امن قضایی» نظر ما متوجه بر تهاورها و مراحمتهای احتمالی مردم برای یکدیگر نیست بلکه متوجه بر تهاورها و مراحمتهای دولتی و قدرتهای سیاسی حاکم است.

قدرتهای سیاسی حاکم، با تصمیم گیری‌های گونه‌گون و شاید هم با سازگار با یکدیگر، قدرت تشخیص و پیش‌بینی مردم را آشفته می‌سازند، و بدین سان اراده و شوق آنان را در سرمایه‌گذاری متزلزل می‌دارند.

چهارم آنکه: سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نمی‌تواند بی‌توجه به سود احتمالی صورت گیرد و سود احتمالی را هم سراسر عامل‌هایی حساب می‌کند، که هیچکدام از آنها در شرایط کسوی ایران ثابت نیستند و از ابرو پرهیز داشتن بخش خصوصی از سرمایه‌گذاری در چنین وضعی کاری است نه چندان دور از ذهن.

ولی ما این وصف بار هم بخش خصوصی در حد امکان خود به سرمایه‌گذاری دست زده‌است. و در زمینه‌های کشاورزی و مرعاری و دام پروری و جامه‌سازی و ایجاد کارگاههای کوچک قسی و صنعتی، و کارهایی مانند ایسها، بخش خصوصی از کوشش و تلاش باز نایستاده‌است و تلاش آن در روزهای پس از انقلاب تاکنون، ما به حساب آوردن همه شرایط حاکم در حور تحسین است.

مردم رنج دیده و عارت شده ایران آنچه میسر بوده است به جا آورده‌اند ولی دولت در دوران پس از انقلاب ناشایستگی و ناکارایی‌های بزرگ از خود نشان داده و اینک می‌خواهد با عنوان ساختن مفهوم‌هایی مانند «معنویت» بر بی‌کفایتی‌های خود پرده بکشد.

معنای دیگر «معنویت» به عنوان درمان کسده دردهای اقتصادی پیش گرفتن رویه امساک است که با اصل این فکر کسی مخالفت ندارد و بسیار پیش آمده و پیش خواهد آمد، دولت‌ها از مردم بخواهند در سطح و چگونگی مصرف خود تحدید نظر کنند و از آن به کاهد تا در پیکر اقتصاد کشور رقم و توانی پدید آید.

بسیار درست است که در دوران درگیری سیاسی و اقتصادی، مردم به امید پیروزی‌های آینده، سختی‌های بیشتری بر خود روا دارند و در صورت این کار جای تردید نیست ولی نادرستی این درمان در است که ملت ایران در حال حاضر رویه امساک را به طور کامل رعایت میکند و هرگز از آن دور نشده است.

بی‌چیزی و تحمل دو یا ز دیرینه مردم میهن ما هستند و ایرانی، با این دواز دیر باز آشنا بوده‌است و با سیلی صورت خود را سرخ میکند تا فقر سیاه و دردناکی که وجود دارد بپوشاند.

متوسط مصرف سرانه غذایی مردم ایران از متوسط کشورهای آفریقائی کمتر است و مسکن مردم میهن ما، چیزی است بالاتر از فاجعه، یعنی در سرتاسر ایران فقط ده درصد جمعیت مسکن قابل قبول دارد و دست کم چهل درصد مردم ایران در یک اتاق زندگی میکنند.

متوسط دریافتی کارمندان دولت که به ظاهر در شمار گروه‌های با درآمد نسبی بالا می‌باشند بی‌هیچ تردید کفاف معاش اندک آنها را نمیدهد.

دیگر چه انتظاری از این مردم باید داشت و دیگر چگونه میتوان به این مردم تکلیف کرد باز هم به حرمان خود بیفزایند، رنج مردم در حد اشباع است و بیشتر از این نمیتوان از آنان تحمل خواست.

«معنویت» که میباید در حل دشواری‌های اقتصادی، کمک کند، در ملت ایران بوده و بکار هم گسرفته شده است، ضعف در اندیشه و کردار کاربدستان کشور است و باید از آنها خواست که «معنویت» را بر «مادیت» برگزینند و بیش از این با تصمیم‌های نادرست خود، درازم پاشیدگی اقتصاد ایران نکوشند.

نارسائی‌های کنونی اقتصادی کشور فقط و فقط زائیده سیاست‌های نادرست است، اگر کاربدستان با «معنویت» پیوندی استوار می‌داشتند، هرگز وظیفه‌های بیشتر از حد توانایی خود بر عهده نمی‌گرفتند تا اقتصاد ایران چنین پریشان کنند.

به کار گرفتن معنویت در حیات اقتصادی یک زمینه زنده و اساسی دارد آنهم رعایت اصل شایستگی در نظام اداری کشور است.

معنویت اقتضا میکند که تصمیم‌گیری‌های دشوار اقتصادی را به کسان کاردان بسپارند. معنویت اقتضا میکند، گردانیدن چرخهای بنگاهها و سازمانهای اقتصادی و تولیدی را از دستهای توانا و ذهنهای آگاه بخواهند. «معنویت» اقتضا میکند بساط خویشاوند گزینی و رفیق بازی و فرقه‌گرایی را در نظام اداری و اقتصادی کشور برچینند و اگر چنین کنند، به راستی معنویت در باز گشودن دشواری‌های اقتصادی، سهمی کلان خواهد داشت.

## آگهی حصر وراثت

خانم ربیاه قنایزی بشناسنامه ۷۰۶ شرح دادخواست کلاسه ۲۰۴/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان سیداحمد اعلمی بشناسنامه ۱۱۰ در تاریخ ۵۸/۸/۱۶ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضیه همسر دائمی و اشرف‌السادات بشناسنامه ۱۰۵ و اکرم‌السادات بشناسنامه ۵۹۵ و اقدس‌السادات بشناسنامه ۶۳۰ دختران شهرت همگی اعلمی میباشند. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابرار شود از درجه اعتبار ساقط است.

دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران - عبائی ۳-۱

## آگهی حصر وراثت

آقای علیمحمد شهیربه سیروس فرید مجیدی بشناسنامه ۱ شرح دادخواست کلاسه ۷۳۵/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان یحیی فرید مجیدی بشناسنامه ۸۱۷۵ در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۰ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضی و حسامی شهیربه اردشیر فرید مجیدی بشناسنامه ۱۳۰ و محمد صادق شهیربه حسرو فرید مجیدی بشناسنامه ۳۹۳ و ابوالقاسم فرید مجیدی بشناسنامه ۱۴۸۸ و محمد مهدی فرید مجیدی بشناسنامه ۱۵۰۵۴ و هدایت‌اله فرید مجیدی بشناسنامه ۱۵۲۲۶ و حبیب فرید مجیدی بشناسنامه ۴۴۶ پسران و برحس فرید مجیدی بشناسنامه ۱۴۵ و منصوره فرید مجیدی بشناسنامه ۳۶۱ و فریده فرید مجیدی بشناسنامه ۱۴۸۶۷ دختران و حاجیه مارشایسته شیخعلی کلاسه بشناسنامه ۶۷ همسر دائمی. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابرار شود از درجه اعتبار ساقط است.

دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران - عبائی ۳-۱

## آگهی حصر وراثت

خانم مور بیابی کرمانی بشناسنامه ۱۴۲ شرح دادخواست کلاسه ۷۳۰/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان محمد جواد صبوحی بشناسنامه ۴۵ در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۸ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضیه همسر دائمی و فریرین صبوحی بشناسنامه ۵۷۸ و رامین صبوحی بشناسنامه ۱۶۹۷ پسران و وسیداصح صبوحی بشناسنامه ۷۰ دختر و ماشالله صبوحی بشناسنامه ۱۷۱۳ پدر متوفی و معصومه صبوحی بشناسنامه ۱۷۱۴ مادر متوفی. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابرار شود از درجه اعتبار ساقط است.

دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران - عبائی ۳-۱

## آگهی حصر وراثت

خانم معصومه جعفری بشناسنامه ۷ شرح دادخواست کلاسه ۷۳۹/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان حسن قیصد بیگلو بشناسنامه ۱۱۰۶ در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۲ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضیه همسر دائمی و حسین قیصد بیگلو بشناسنامه ۳۵ و مجید قیصد بیگلو بشناسنامه ۳۶۶۹ و مسعود قیصد بیگلو بشناسنامه ۲۰۵۰۸ و علیرضا قیصد بیگلو بشناسنامه ۱۵۵۵ پسران و رهرا قیصد بیگلو بشناسنامه ۸۴۶ و طاهر قیصد بیگلو بشناسنامه ۴۱۸ و افسانه قیصد بیگلو بشناسنامه ۱۰۳۳۷ دختران متوفی. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابرار شود از درجه اعتبار ساقط است.

دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران - عبائی ۳-۱

## آگهی حصر وراثت

آقای قاسم شهدل بشناسنامه ۱۹۴۲۴ شرح دادخواست کلاسه ۱۴۵/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان ریس‌العابدین رعیب بشناسنامه ۱۹۴۲۹ در تاریخ ۴۳/۱۱/۲۱ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضی و معصاله بشناسنامه ۳۷۲۷۰ و هوشگ بشناسنامه ۴۴۲۸۴ و شعبان بشناسنامه ۲۳۴ پسران و نصررب بشناسنامه ۲۳۵ و محرم بشناسنامه ۱۹۴۲۵ دختران و ربیاه بشناسنامه ۱۹۴۲۳ همسر دائمی. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابرار شود از درجه اعتبار ساقط است.

دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران - عبائی ۳-۱

## آگهی حصر وراثت

خانم صبری صمیان بشناسنامه ۲۲ شرح دادخواست کلاسه ۷۳۶/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان حبیب جعفری سرشکی بشناسنامه ۱۱۶۵ در تاریخ ۵۰/۱۱/۱۱ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضیه همسر دائمی و محمد جعفری سرشکی بشناسنامه ۱۶۳۰ و علی جعفری سرشکی بشناسنامه ۱۸۷۹ پسران و معصومه جعفری سرشکی بشناسنامه ۱۸۴۳ و آذر جعفری سرشکی بشناسنامه ۷۴۶ و اعظم جعفری سرشکی بشناسنامه ۱۲۶۸ دختران متوفی. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابرار شود از درجه اعتبار ساقط است.

دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران - عبائی ۳-۱

## آگهی حصر وراثت

خانم معصومه جعفری بشناسنامه ۷ شرح دادخواست کلاسه ۷۳۹/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان حسن قیصد بیگلو بشناسنامه ۱۱۰۶ در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۲ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضیه همسر دائمی و حسین قیصد بیگلو بشناسنامه ۳۵ و مجید قیصد بیگلو بشناسنامه ۳۶۶۹ و مسعود قیصد بیگلو بشناسنامه ۲۰۵۰۸ و علیرضا قیصد بیگلو بشناسنامه ۱۵۵۵ پسران و رهرا قیصد بیگلو بشناسنامه ۸۴۶ و طاهر قیصد بیگلو بشناسنامه ۴۱۸ و افسانه قیصد بیگلو بشناسنامه ۱۰۳۳۷ دختران متوفی. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابرار شود از درجه اعتبار ساقط است.

دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران - عبائی ۳-۱

## آگهی حصر وراثت

خانم معصومه جعفری بشناسنامه ۷ شرح دادخواست کلاسه ۷۳۹/۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان حسن قیصد بیگلو بشناسنامه ۱۱۰۶ در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۲ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضیه همسر دائمی و حسین قیصد بیگلو بشناسنامه ۳۵ و مجید قیصد بیگلو بشناسنامه ۳۶۶۹ و مسعود قیصد بیگلو بشناسنامه ۲۰۵۰۸ و علیرضا قیصد بیگلو بشناسنامه ۱۵۵۵ پسران و رهرا قیصد بیگلو بشناسنامه ۸۴۶ و طاهر قیصد بیگلو بشناسنامه ۴۱۸ و افسانه قیصد بیگلو بشناسنامه ۱۰۳۳۷ دختران متوفی. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعود ابرار شود از درجه اعتبار ساقط است.

دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران - عبائی ۳-۱

**آقای دکتر عبدالصمد تقی‌زاده**  
با اندوه بسیار درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت گفته، خود را در سوگ شما شریک میدانیم.

**شورای پزشکان حزب ملت ایران**

---

**آقای دکتر عبدالصمد تقی‌زاده**  
رئیس دانشگاه ملی ایران

درگذشت پدر بزرگوارتان را صمیمانه تسلیت گفته و برای شما و خانواده گرامیتان از خدای بزرگ شکیبائی خواهانیم.

**دفتر مرکزی سازمان برون مرزی حزب ملت ایران**

# نظام آموزشی عالی کشور را با جدول ارزشهای انقلاب سازوار کنید

## مبارزه سیاسی و الگوهای پلیسی

میان مردم، و ویران ساختن «نظام عصبی» جامعه نیست. مبارزه سیاسی به معنای برکشیدن «چماق چوبی» یا «چماق زبانی» یا «چماق سیاسی» نیست، مبارزه سیاسی هر چه باشد، می‌باید در چارچوب اخلاق محفوظ بماند و اگر از این چارچوب خارج شود، دیگر مبارزه سیاسی نیست، بلکه نوعی «چماق بازی» و نوعی جلوه‌گری استعدادها و پلیسی است.

در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی و فردی، رعایت قاعده‌های اخلاق شرط اجتناب ناپذیری است ولی در زمینه حیات سیاسی این شرط اساسی‌تر است. حیات سیاسی و مبارزه سیاسی در راستای ساختمان جامعه صورت می‌گیرد و آنان که دست اندرکار مبارزه سیاسی هستند، رهبران جامعه و بنیان‌گذاران نظام اجتماعی آینده می‌باشند، کردار و گفتار رهبران سیاسی برای دیگر مردمان و به ویژه جوانان، همچون یک الگوی عمل و یک زمینه پرورش فکری به شمار می‌آید. گفتار و کردار رهبران سیاسی راه اندیشه و عمل را به مردم می‌نمایاند، و اگر بدون استقامت به قاعده‌های اخلاقی باشد باز تاب‌هایی ویران کننده در حیات اجتماعی و روانی ملت خواهد داشت.

مبارزه سیاسی در خارج از چارچوب اخلاق، نه همان که بی‌اخلاقی را به مردم می‌آموزد، بلکه برارج و اعتبار اخلاقی رهبران سیاسی آسیب‌های خطرناک وارد می‌آورد و اگر رهبران سیاسی اعتبار اخلاقی خود را در جامعه از دست بدهند، پایه‌های رهبری خود را هم به تزلزل افکندند. خارج کردن مبارزه سیاسی از چارچوب اخلاق، هم حیات سیاسی جامعه و هم آینده خود رهبران را به گردابیهای زیان بخش می‌کشاند و در چنین حالی حرمت از همگان به یکسان برداشته میشود و دریدن پرده حرمت در حیات اجتماعی گناهی است بسیار بزرگ.

رهبران سیاسی باید نمونه‌های اخلاق و آگاهی و بزرگ منشی باشند و هر آن کس که از این سجایا در مبارزه سیاسی دست می‌شوید، حکم بی‌صلاحیتی خود را صادر کرده و برنا آگاهی خود از شرایط رهبری گمراه آورده است.

در نهان به توطئه علیه حکومت نشستن بی‌گمان از مبارزه اخلاقی سیاسی به دور است، ولی ضبط کردن سخنان یک سیاستگر در نهان، و سپس باز خواندن آن بر سر هر کوی و برزن نیز بی‌هیچ تردید از اخلاق به دور است و از هر دوی این بی‌اخلاقی‌ها، زشت‌تر آن است که سخنان کسی را در نهان بشنوند و از آن وسیله‌ای برای «ساخت و پاخت» فراهم آورند.

حکومت اسلامی، اخلاق اسلامی را نیز به همراه دارد، و اخلاق اسلامی در همه زمینه‌ها از اخلاق شرقی و غربی والاتر

است. حکومت اسلامی اگر از درون مایه اخلاق اسلامی تهی شود نمی‌تواند ارج و اعتبار بیابد، و هر حکومت که نتواند درخشندگی اخلاق اسلامی را، که برترین اخلاق است، به جلوه بگذارد به اسلام خدمت نکرده است.

ضبط نهانی سخنان یک سیاستگر از دیدگاه اخلاق غربی محکوم شده است و چگونه ممکن است از نظر اخلاق بلند اسلامی، پذیرفتنی باشد. حادثه «واترگیت» که بنیاد نظام سیاسی آمریکا را به تزلزل افکند، چیزی نبود مگر آن که گروهی از اهل سیاست، در نهان به سخن حریر سیاسی خود گوش کرده بودند، و زشتی این کار چندان بود که رئیس جمهور آمریکا را از قله رهبری به گوشه انزوا افکند، و یاران او را در این کار، روانه زندان نمود. در نهان به سخن دیگری گوش دادن، کاری است پلیسی و نه سیاسی، و به کار گرفتن شیوه‌های پلیسی در حیات سیاسی حرام موکد است.

برای کسی که در مسند والای ریاست نظام اداری و سیاسی کشوری نشسته، همواره خطر توطئه و تحریک وجود دارد، حتی خطرهای بزرگتر وجود دارد. اما برای غلبه بر این خطرها، بهره‌گیری از شیوه‌های غیر اخلاقی به هیچ روی روانیست. برای بی‌اثر کردن خطر توطئه و تحریک دشمنان، نباید به وسیله‌های پلیسی دست زد باید از وسیله‌های اخلاقی و انسانی سود برگرفت.

نقض قاعده‌های اخلاق به وسیله یک هم‌اورد یا حریر سیاسی، به هیچ روی به حریر دیگر اجازه سرپیچیدن از قاعده‌های اخلاقی را نمی‌دهد، و این قاعده‌ها براساس قرار رعایت متقابل استوار نیست بلکه در همه حال قطعی و ارجمند است و هیچکس به هیچ دلیل اجازه ندارد، قاعده‌های اخلاق را در هم بشکند و هراس برده‌ها را به دلیل، به در هم شکستن قاعده‌های اخلاق پرداخت، مسئول است. و هر اندازه مقام و موقع یک شخص در جامعه بلندتر و چشمگیرتر باشد، تعهد او و مسئولیت او، در اجرائی قاعده‌های اخلاق سنگین‌تر و استوارتر است.

سرپیچیدن یک مرد گمنام و ناشناس از قاعده‌های اخلاق بسیار تلخ و دردناک است، اما سرپیچیدن رایشان و همکاران رئیس دستگاه اداری و سیاسی یک کشور از قاعده‌های اخلاق، بسی جانگداز و بی‌گفتگو استخوان‌سوز است، و بی‌گفتگو به سخن دیگری در نهان گوش دادن، در هم شکستن قاعده‌های اخلاق است.

چرا به سخن دیگری در نهان گوش دادن در هم شکستن قاعده‌های اخلاق است، و چرا مردم آمریکا از آگاهی براینکه رئیس جمهورشان چنین کرده است، آن‌چنان خشمگین شدند و

آن واکنش تندرا نشان دادند؟ پاسخ این پرسش چنین است. در نهان به سخن دیگری گوش دادن، یا سخن نهانی کسان را به ضبط کشیدن و سپس به آشکارا افکندن دوقساد بزرگ در خود نهفته دارد. نخست آنکه گرویدن به این شیوه، امان و اعتماد از رابطه انسانها برمی‌دارد، و فصل همکاری و همدلی را مشوش می‌سازد، و بنیاد دوستی و مردمی را به تزلزل می‌کشاند، و کسان را از یکدیگر به هراس می‌افکند و جاسوس و سخن‌چین می‌پرورد.

به نهان کس به جمع حریفان فرستادن، و از راز و رمز آنان آگاه شدن، سفته پروردن و قاعده دوستی به گرداب تباهی کشاندن است، در گذشته‌های نزدیک و دور، تاریخ ما، شاهد بسی سفته‌پروری‌ها بوده، و دیگر هیچ جای آن نمانده است که در سفته‌پروری بنیاد تازه نهیم و راه‌های تازه برگزائیم.

دوم آنکه حیات روانی و عاطفی آدمی را دگرگونی‌ها است. ساخت روانی و عاطفی مردمان یک دست و استوار، به گونه‌ی فولادناپ، نیست. آدمی ضعفها و درماندگی‌ها دارد بسیار سخنان آدمی در خفا به زبان می‌آورد، که در حضور جماعت از آنها روی در هم میکشد، رفتار و گفتار آدمی در تنهایی و در جمع همفکران و رازداران، با رفتار و گفتار آدمی در برابر جماعت متفاوت است.

به گفته روان‌شناسان، جلوه‌های وجدان فردی، از جلوه‌های وجدان اجتماعی متفاوت است، و هر سخن که آدمی به لاف و گزاف، و یا برای رونق بخشیدن به بازار خویش، و یا افرون بر قدر و مقام خود، در نهان بر زبان می‌آورد، نباید که به جد گرفته شود، چه جا که از آن سخن هنگامه بسازند و در کوی و برزن افکنند و رشته‌های عصبی جامعه را بر اثر آن به چندان درد بیالایند.

گوش به در جسیانیدن و ناشناخته در جمع کسان یا نهادن شیوه اخلاق اسلامی و حکومت اسلامی نیست، و اگر این کار از زمامداران کشور سربزند به حقیقت نقض آشکار همه حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی است مگر نه این است که سخن و نوشته مردمان را واری می‌توان کرد مگر به موجب قانون، پس کدام کس جرئت چنین جسارتی به خویش داده است، که سخن مردمان را واری کند و نتیجه واری خود را آشکارا و بی‌هراس از معنی که قانون بر عمل وی نهاده، به گوش همگان برساند.

تلگراف و تلفن‌ها و سخنان مردمان را واری کردن و از آن به سود خویش بهره‌گرفتن براساس قانون کاری است بسیار ناروا، پس چگونه عالیترین مقام اداری و سیاسی کشور بی‌التفات به نظام اخلاقی و قانونی جامعه اجازه داده است، کسانی به چنین راه آلوده‌ای قدم نهند.

## بنام اسلام

## تیشه به ریشه اسلام نزنید

عاشورا و اربعین اشاره کرد که همه بنام جاویدان حسین علیه‌السلام انجام میگرفت. هم‌رمز دکتر تکمیل همایون سخن را به کلام تاریخی منسوب به امام حسین رسانید که فرموده است:

انما الحیوة عقیده و جهاد با استمداد از بسیاری آیات قرآنی و احادیث منقول از رسول اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) اسلام را «مدافع راستین ابراز عقیده‌ها و آزادیها» معرفی کرد و خاطر نشان ساخت «هیچ مذهبی را در جهان نمی‌توان پیدا کرد که به اندازه اسلام نسبت به ادیان و عقاید و اندیشه‌ها، تسامح و مدارا نشان داده باشد.»

سخنران در ادامه سخنان خود گفت:

«در اسلام و تبلیغات اسلامی، طبق نص صریح قرآن مجید باید از حکمت و موعظه حسنه استفاده کرد و در مجادلات و مباحثات بهترین روش را برگزید. اسلام، بنی‌امیه، اسلام عبدالملک، اسلام حجاج بن یوسف، اسلام سلطان محمود غزنوی و اسلام همه قدرتمندان و شمشیر کشان دیگر، اسلام محمدی نیست. جهانگیر شدن اسلام مقدس، بر خلاف نظر برخی از مستشرقان مغرض استعماری، در اثر تبلیغ درست عقیده و رعایت اخلاق و فضیلت بوده است و نه روز گوئی و قلدری.»

دکتر تکمیل همایون به گفتار امام خمینی و نگرانی‌های ایشان اشاره کرد و ادامه داد:

«نه لشکر کشی‌های اویسی جلد و نه حمله گریهای شاپور بختیار میتواند انقلاب ما را

بود، که از هر کس برمی‌آید. ارج و قدر دولتمردان از هوش و آگاهی فرضی ایشان سرچشمه میگیرد، اگر فرض هوش و آگاهی را از روش کار ایشان سلب کنیم، دیگر بردولتمردان ارج و قدری باقی نمی‌ماند.

بالاترین مقام اداری و سیاسی کشور چگونه چنین بی‌محابا از واری‌های نهانی در گفتار و کردار هم‌آئیه‌های دیگران، سخن می‌گوید و چگونه ایشان غیرقانونی و غیراخلاقی بودن این کار را تشخیص نداده است.

بالاترین مقام اداری و سیاسی کشور چگونه اجازه داده است که در جمعیت‌های سیاسی بساط «ضبط‌صوت» بگسترند، آیا این شیوه در سایر جمعیت‌ها و گروه‌ها هم به کار گرفته شده است، آیا بر همه سازمانها و شخصیت‌های سیاسی خبرچین و جاسوس فرستاده‌اند.

برما چه رفته است که اینگونه از نظام اخلاقی به دور افتادیم، برماچه گذشته است که از مرز اخلاق و قانون حتی آگاهی هم نداریم. اخلاق والای اسلامی، و عرفان بلند ایرانی کجا است، چرا برقلبه‌های ما نمی‌تابد، و چرا

نابود سازند. نه تهاجم نظامی صدام حسین و نه آتش افروزیهای بگین و سادات قادرند نظام جمهوری اسلامی ایران را از پای بیاورند. چه ملت ایران با اشاره رهبر انقلاب دشمنان را پیش از رسیدن به «قصر شیرین» درهم خواهد کوبید. ابر قدرت‌ها نیز در شرایطی قرار ندارند که بتوانند میهن ما را مورد تاخت و تاز قرار دهند، یعنی موقعیت جهانی این اجازه را به آنها نمی‌دهد. اما آنچه موجب خطر است و نگرانی امام را بوجود آورده است همین چند گانگی‌ها و چند گونگی‌هایی است که عده‌ای از کسار بدستان حکومتی بر مبنای اصل «تقسیم غنائم» بوجود آورده‌اند.

بقول امام «توده مردم» انقلاب کردند، خون دادند، کشته دادند، هستی خود را در طبق اخلاص نهادند، «آقایان» به حکومت رسیدند و اکنون برای محکمتر چسبیدن به کرسی قدرت، نه تنها توده «استضعافی» را بمرحله «استخفاف» کشانده‌اند و امید و حرکت را از جامعه سلب کرده‌اند، بلکه کشور را نیز بمرحله سقوط نزدیک ساخته‌اند»

در پایان دکتر تکمیل همایون با دادن امید سازندگی به حاضران مجلس در پرتو درایت رهبر انقلاب و تحکیم نهاد جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی از رئیس جمهور در برابر همه توطئه‌ها، اعتقاد ورزید که: «بستن درهای مراکز متعدد تصمیم گیری و بوجود آوردن دولت با اقتدار ملی، تنها راه رهائی ایران و پایان دادن به همه هرج و مرج‌های حاکم بر جامعه میباشد.»

بزرگ‌های ما بزرگی و عزت نمی‌نشانند، قانون کجا است، دادستان کل کشور چه میگوید، مقامات اداری و سیاسی کشور به اجازه کدام قانون این چنین بی‌پروا به واری اندیشه‌ها و گفتارها پرداخته‌اند. دادستان تهران چرا لب از سخن فروبسته، مگر آنچه رفته، با نظام قانونی جامعه ما تباین آشکار ندارد.

ما به کجا می‌رویم، به سرزمین خیرچینی، به سرزمینی که در پشت هر در و پشت هر ستون، شخصی به دزدیدن گفتار ما ایستاده، به سرزمین نایمنی و نامردمی، آنچه بر ما گذشته کفایت نمی‌کند، آن روزگاران که می‌گفتند، «دیوار موش دارد و موش گوش دارد» دوباره پدیدار شده است، دیگر به چیز اعتبار می‌توان نهاد.

اخلاق سیاسی و مبارزه سیاسی ما را بیش از این خوار نگردانید، مارا به درد جاسوس و خبرچین دچار نسازید. اخلاق اسلامی ما را در حدی فروتر از اخلاق سیاسی غرب قرار ندهید، و مبارزه سیاسی را به «مچ گرفتن» و «دوز و کلک ساختن» نکشانید.

حفظ حیثیت ذاتی بشردر گرامیداشت آزادی‌های فردی و اجتماعی است

### «میثاق وحدت»

کشیدن و از بستن «میثاق وحدت» گفتگو کردن، بی هیچ تردید شبهه انگیز است. به آشکارا جنگیدن و در نهان آشتی کردن، باور مردمان را خدشه دار می‌سازد. مردمان میخواهند، همانگونه که شاهد صحنه جنگ بودند، از ماجرای صلح هم باخبر شوند.

این چنین سر بسته و رمز آسا، آشتی کردن و «میثاق وحدت» بستن و مردمان را از همه شرایط آن بی خبر گذاشتن، این اندیشه را می‌تواند به ذهن‌ها بنشانند که همه جریان، از آغاز تا انجام بر سر خواستها و سودهای فردی و خصوصی، بوده است و مردم از دیدن این اسلوب کار بدین تصور کشیده میشوند، که بر خورد از اساس بر سر احراز برتری و جای دادن کسان و بستگان و پیروان در مسندهای اقتدار حکومتی، بوده است و «میثاق وحدت» راهم به گونه‌ی تفاهمی کلی بر تقسیم قدرت و کارهای حکومتی تلقی میکنند. مردم از آنچه در «قهر و آشتی» چند روز و چند هفته سیاستگران گذشته است چنین برداشت کرده‌اند که قهر بر سر چگونگی تقسیم فرصتها و امتیازها بوده و قرار آشتی هم که اکنون از آن به گونه‌ی «میثاق وحدت» یاد کرده‌اند، قراردادی برای تقسیم این امتیازها و فرصتها است.

مردم در گوشه و کنار در توجیه علت قهر و سبب آشتی از افسانه قدیمی مبارزه قدرت یاد میکنند و در این مبارزه از تفاوت بنیادها و برداشتها سراغ نمی‌گیرند.

حزب ملت ایران، نمی‌خواهد که با این طرز تلقی همگانی، انبار شود و بر اساس اصل برائت، و بنا اعتقاد راسخ به جدول ارزشهای انقلاب که سراپا اخلاقی است قهر و آشتی سیاستگران را با مبارزه قدرت در هم نمی‌آمیزد و از پدید آمدن «وحدت» در میان کار بدستان کشور بسیار خرسند میشود ولی بی درنگ اضافه باید کرد که وحدت به معنای شناختن و پذیرفتن، بنیادهای اندیشگی و هدفها و روشهای روشن برادرانه کارهای کشور است.

وحدت به معنای تفاهم شخصی و روانشناختی نیست، «وحدت عمل» نیروهای سیاسی با «سازش» سیاستگران بایکدیگر، تفاوت اساسی دارد و اگر راستی به «میثاق وحدت» رسیده‌اید، چگونگی رسیدن به این میثاق و متن کامل آن را اعلام دارید.

طرز عملی را که برادرانه کشور پذیرفته‌اید و هم چنین تغییر ویا تصحیحی را که برای رسیدن به «میثاق وحدت» در برداشتهای طرفهای درگیر پدید آمده است به آگاهی همگان برسانید.

اعلام پدید آمدن کشمکش چنان طوفانی، و در پی آن اعلام شسته شدن ملالها و بستن «میثاق وحدت» بی‌آنکه هیچ توضیحی درباره چگونگی آن داده شود و کار را در این حد سر بسته گذاشتن و از آن در گذشتن، شایسته یک نظام سیاسی پویا و پرحق نیست و به باور مردم، سخت آسیب میرساند.

اینگونه راز آمیز از کنار یکی از پیچیده‌ترین بفرنج‌های سیاسی کشور گذشتن، و پذیرفتن همه آنها را بی‌هیچ پرس و جو از مردم خواستن، به بازی گرفتن باور مردم است و باور مردم را بازی گرفتن بر اعتبار حکومت ضربه می‌زند، از این شیوه عمل در گذرید و بر مردم بی‌نام و نشان این آفرینندگان انقلاب ارج نهید.

### از میان نوشتارهای رسیده

که بعنوان شیر باستوریزه عرضه میشود شیر تازه است یا شیر خشک وارداتی؟ علاوه بر این، آیا همین هم به آسانی و راحتی وبدون انتظارهای یکساعته و چندساعته و گاه چند روزه آنها با ایستادن در صفهای طولانی بدست می‌آید؟

آنچه بیشتر مرا بر آن داشت که این یادداشتها را بنویسم مشکلی میباشد که یکی از دوستان من بتازگی با آن روبرو شده است و نوزاد سه ماهه اش مدت دو هفته است مبتلا به اسهال گردیده و پزشکان نوعی شیر خشک گیاهی که تا جندی پیش وارد میشده و هیچگونه مارک مشابهی هم ندارد تجویز کرده‌اند. دوست من در بدر، داروخانه به داروخانه حتی شهر به شهر بدنبال این شیر رفته ولی شنیده است که مدتها می‌گذرد این شیر در بازار پیدا نمی‌شود و وقتی علت را از شرکت وارد کننده جویا میشود می‌شود که بعلت مشکلاتی که بانک مرکزی برای ارسال بدهی‌های وارد کننده به کمپانی فروشنده ایجاد کرده است، فروشنده از ارسال جنس خودداری میکند. آقای سخنگوی وزارت بهداشت و بهزیستی و آقای وزیر و معاونین محترم آیا بهتر نیست بجای ساعتها نشستن و جلسه کردن برای تهیه جواب یک نامه آنهم جوانی این چنین سفسطه آمیز به کارهای اساسی‌تر بپردازید؟ حداقل میتوانیید تا بهبود وضع دامپروری و فراوان شدن شیر تازه و سالم به وضع شیر خشک نوزادان سروسامانی بدهید.

## گفتار هم‌رزم فروهر

اینجاست که هوشیاری این گروه اجتماعی روشن میشود از فردای آن روز اعتصاب در سراسر صنایع نفت پایان یافت تا آخرین روز حکومت دگتر مصدق در حالی که کارگران صنعت نفت به علت قطع درآمد نفت در بدترین حالتها بسر می‌بردند یک بار ابراز ناراضگی نکردند، یک بار اعتصاب نکردند، در حالی که دستهای اهریمنی در گوشه و کنار دیگر کشور هر روز می‌کوشیدند کارگران را به اعتصاب بکشند.

شاید در میان کارگران عزیزی که اینجا هستند کارگرانی که سالیانی بس بربرانها

گذشته باشند کسانی که اعتصابهای دخانیات و اعتصابهای راه آهن را که سرچشمه بخشی از درآمد ملی آنروز ما بودند، بیاد داشته باشند. خوشبختانه کارگران صنعت نفت این هوشیاری را داشتند که دیگر هرگز تن به تحریک ندادند. برای روشن تر شدن نقش کارگران صنعت نفت در خلع ید از استعمار باز هم به جلو می‌آئیم، در روز بیستم خرداد که هیئت مدیره موقت و هیئت نظارت بر خلع ید به آبادان می‌رفتند در استقبال از آنها نماینده فوق العاده دولت که اکنون سفیر جمهوری اسلامی ایران در فرانسه است یعنی آقای دکتر امیر علائی در کتاب خود می‌نویسد: به ترتیب کارگران بهداری، کارگران مهندسی پالایشگاه، کارآموزان کارگاه جوش کاری، کارگاه تصفیه شعبه بخار، کارگران تصفیه نفت، کارگران کارگاه ساختمان منازل، کارگران کشتی رانی، کارگران ساختمانی و سایر کارگران کارگاه مختلفه پالایشگاه و اصناف مختلف با شعارهای مخصوص خود ابراز احساسات کردند.»

و در همین کتاب نوشته شده، صف استقبال کنندگان به پنج کیلومتر میرسید و این هنگامی است که هنوز کشتی دریا سالار در کنار آبادان تهدید می‌نمود و هیچ کس گمان نمی‌کرد که خلع ید به آسانی انجام شود ولی کارگران بیدار دل ایرانی با شرکت در این استقلال باشکوه نشان دادند که جای آنها در کجاست و با که مبارزه میکنند. در جای دیگر کتاب آمده است که «یکی از کارگران و زحمتکشان امروز روزی است که برای ما فراموش نشدنی است این هیئت برای سرفرازی ملت ایران به آبادان آمده است که نام ایران را در دنیا بلند نماید، ای کارگران بهوش باشید خونسردی را از دست ندهید و منتظر باشید تا هیئت بتواند در محیط آرام اقدامات مین پرستانه خود را بنماید.»

شخص دیگری به نمایندگی اهالی آبادان میگوید «بسیار خوشوقتم که امروز بنام اهالی آبادان بخصوص کارگران زحمتکش مقدم مبارک و میمون شما مهمانان عزیز و تهرانی را که چون جان شیرین در قلب همه جای دارید تبریک عرض کنم.»

امروز با کمال بی‌صبری مردم ستمدیده و زحمتکش ایران منتظر ورود شما هیئت ملی نفت ایران بوده و به انتظار اجرای ماده ۲ قانون ملی شدن نفت می‌باشند.

چشم تمام افراد ایران به طرف شماست. سعادت نسل آینده بستگی تمام به اجرای این قانون دارد و با وظیفه سنگینی که شما به عهده دارید، امیدوارم تا با یاری خداوند متعال آنرا به بهترین نحوی انجام دهید.»

چند روز گفتگو با گردانندگان انگلیسی شرکت نفت برای آنکه خلع ید بدون تشنج انجام شود طول می‌کشید، اما درست هنگامیکه تصور این به میان می‌آید که حریف خدعه میکند و می‌خواهد با گفتگوهای نافرجام کار را به درازا بکشد، دکتر مصدق در پیام تاریخی خود دستور ادامه عملیات اجرایی خلع ید را می‌دهد. و در نطق خود می‌گوید «بخوبی میدانید که در تاریخ ملتها نادار، روزهای درخشان و پر مسوولیت و افتخار پیدا میشود، ایام عادی و گذران برای همه ملل یکسان است ولی آن ملتی که خوب و شرافتمندانه وظیفه‌اش را در برابر تاریخ مملکت و وطن ادا کند بیش از دیگران قدرت و عظمت روحی از خود نشان داده است. امروز یکی از آن ایامی است که شما هموطنان می‌توانید صفحه جدید و مقدسی در حیات اجتماعی و اقتصادی خود باز کنید و پس از پنجاه سال که از آزادی و استقلال سیاسی ما نامی بیش باقی نمانده بود دوره نوینی را در برابر نسل آینده بوجود آورید، رشد و نبوغ سیاسی شما می‌تواند امروز را مبداء تحول و نهضت اصلاحی آینده قرار دهد. یا خدا نکرده موجب سرشکستگی و خجلت و انفعال بشود، پیمودن آن دوره اکنون در اختیار عزم و اراده و همت شماست» سپس می‌گوید «روح ایرانی از ماوراء تاریخ کهن و چندین هزار ساله اش از نو درخشیدن گرفته و روزهای زبونی و ضعف و ناتوانی خویش را اینک پشت سر گزارده هیچ چیز جز اراده آهنین شما نمی‌توانست این زنجیرهای جان فرسا و گران را از میان بردارد. تقویت و احساسات صمیمانه هموطنان عزیزم کار نفت را بدانجا کشید که قوه قانون گذاری مملکت به متابعت از افکار عمومی ملی شدن صنعت نفت و قانون اجرای آنرا به اتفاق آراء تصویب کرد و مأموریت انجام این امر به من محول گردید. قبول این مسوولیت برای کسی که به ضعف مزاج مبتلاست و عمر خود را در بستر می‌گذراند جز تبعیت از اراده ملت هیچ چیز دیگری نبود.»

بعد می‌گوید «من مکرر چه در مجلس و چه در یادداشتها و اعلامیه‌ها و مصاحبه‌ها بیان کرده بودم که به هیچوجه در اجرای قانونی که مظهر آرزو و اراده ملت ایران است نمی‌توانم قصور بکار برم، گویا نمایندگان شرکت این حقیقت را ندیده گرفتارند و راه ادامه مذاکرات را بر ما بسته‌اند. بنابراین برای اینکه اجرای قانون ادامه پیدا کند و تأخیر و وقفهای در کار روی ندهد، صبح امروز با تصویب کمیسیون مختلط و هیئت دولت تصمیمات لازمه اتخاذ شد و دستور دادم عملیات اجرایی ادامه داده شود.»

دکتر مصدق سخنان خود را چنین دنبال می‌کند «من اطمینان

دارم فیرد فرد شمدیه

و کاسه‌ای را که در خانه دارید حاصرید همه را در آن لخت بزن در اختیار حکومت خدمتگزار خود بگذارید و گلیم زیر پای خویش را در گذرها بفروشید.»

در پایان آن پیام اضافه میکند حاجت به تذکر نیست که هوشمندی و شرافت کارگران ایرانی مخصوصاً در منطقه نفت خیز در پیشرفت و انجام این منظور ملی تاکنون بی‌نهایت موثر بوده و یقین دارم که این متانت و خونسردی که قابل تحسین است تا پایان کار کاملاً حفظ خواهد شد و ما را هر روز به مقصود نهائی نزدیکتر خواهد ساخت.»

با چنین دستوری بود که فردای آنروز به دست توانای کارگران ایران پرچم ملی بر فراز پالایشگاه و همه ساختمانهای شرکت نفت برافراشته شد در پیوند با این نقش برجسته کارگران و تأکیدی که همواره همه کار بدستان در نقش ارزنده کارگران داشتند، حزب ملت ایران پس از گذشت یکسال یعنی در اعلامیه شماره ۳ که در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۳۱ داده شد این روز را روز کارگران ایران نامید.

در این اعلامیه گفته شده است که نباید فراموش کرد در این رستاخیز ملی همه نیروهای زنده و فعاله از دانشجویان دانشگاه تا کشتگران سالخورده دور افتاده ترین نقاط میهن ما، دوش به دوش یکدیگر مبارزه کردند و به سهم خویش گامهای برجسته و بلندی در این راه برداشتند ولی بیان این نکته نمی‌تواند از خود گذشتگی‌ها فعالیت‌های خستگی ناپذیر و نقش خانواده‌های کارگری را انکار نماید، چه بیش از همه دشمن بیدادگری‌های استعمار که در شهرهای صنعتی جنوب ما بر روی دریائی از ذخایر گرانبها فرمانروائی داشت بر قلوب کارگران بویژه کارگران خوزستان فرو می‌نشست و آنانرا از ابتدائی ترین و مشروح ترین وسائل زندگی محروم میساخت.»

در جای دیگر اعلامیه گفته شده است «اگر چه دست نشانگان داخلی و خارجی امپریالیسم در برابر نهضتی که از جریان تاریخ ایران الهام گرفته بود و با نیروی فشرده و آهنین همه گروههای اجتماعی بویژه کارگران پشتیبانی میگشت کاملاً بو حشقت افتاد شدیدا بمقاومت پرداختند و حتی برای خفه کردن این نطفه ضد استعماری دست به ریا و سالوس زده و در لباس مبدل حمایت کارگران از پشت سر بر آنها خنجر زدند ولی نیروی کارگران با همه بسیجی که دشمن کرده بود بدون هیچگونه انحراف راه سخت گذر تاریخ را با تحمل سختیها و ناکامیها طی نمود و سرانجام بر خصم تاریخی خویش پیروز شد.»

سپس در این اعلامیه آمده است بنابراین حقا و از نقطه نظر منطق تاریخ باید روز ۲۹

خرداد را بنام روز کارگران ایران نامید و بیاس فداکاری‌های این نیروی سازنده که رهبری نهضت بزرگ ضد استعماری را بعهده داشته است همه جا جشن گرفت.

حزب ملت ایران افتخار دارد نخستین بار این روز را بنام روز کارگران ایران همانطور که در نهضت اخیر دوشادوش آنها با بیگانه مبارزه کرد، برای بهبود کامل وضع زندگی آنان تا سرحد پیروزی با عناصر مزدور و همچنین هیئت حاکمه ستمگر مبارزه خواهد کرد و برنامه‌های اقتصادی خویش را بر پایه سعادت واقعی آنان تدوین خواهد نمود.»

سرفرازم که اکنون بگویم چنین شد و ما سالها قبل در تدوین مرام نامه حزب و همه برنامه‌های خویش همه جا از اردوی کارگران هواداری کردیم و کوشیدیم که بجای نظام سرمایه نظام کار استوار شود، این اعلامیه تاریخی با این شعار به پایان میرسد «افتخار بر اردوی کارگران ایران که، نه نیروی فشرده و پولادین خود پرچم استعمار را بزیر کشیدند.»

بجاست یاد آور شوم سخنی را که از آغاز پیروزی انقلاب در برابر کوته نظران، بارها گفتام، انقلاب اسلامی ملت ایران تداوم نهضت ملی است و نهضت ملی تداوم انقلاب مشروطیت و آن نیز خود تداوم پیکارهایی است که ملت ایران برای رهایی از سلطه بیگانگان پس از شکست در برابر امپریالیستها آغاز کرد.

هیچ کس هیچگاه نمی‌تواند نقش برجسته جامعه روحانیت و پیشوایان روحانی را در این سلسله زنجیر مبارزاتی انکار کند ولی هیچ کس هم نمی‌تواند بگوید که دیگران، مردان سیاسی چون ستارخان، و چون میرزا کوچک خان و سرانجام چون مصدق و فاطمی‌ها در مبارزه رها بیخش ملی نقشی نداشته‌اند، و آنها که جز این می‌گویند تاریخ را نمی‌شناسند، میهن خود را نمی‌شناسند، و آنچه بر این سرزمین بلا کشیده گذشته است بخاطر نمی‌آورند.

همین تداوم است که ما می‌بینیم نقشهای گروههای اجتماعی هم در انقلاب همانند گذشته تکرار میشود و اگر من ادعا کنم که در روزهای نهائی حرکتهای انقلابی باز هم اردوی کارگران ایران بخصوص کارگران صنعت نفت نقش تعیین کننده را بازی کرده‌اند هرگز ادعای نادرستی نکردام.

این را همه دیگر بخاطر داریم سخن از روزهایی نیست که شود بر آن پرده نهاد، سخن از همین دو سال پیش است، هنگامی که یکتا رهبر انقلاب امام خمینی فرمان سرپیچی از حکومت، فرمان تداوم اعتصابها را داد، کارگران به اعتصاب پیوستند

و کارگران صنعت نفت قاطعتر از همه آنها بودند که گلوی استعمار و استبداد وابسته به آن را در جنگ گرفتند و آنقدر، فشار دادند تا پیکر هر دو، چون لاشهای ناتوان در زیر پای ملت ایران فرو افتاد. دوران سازندگی انقلاب اسلامی فرامی‌رسد ولی با افسوس بسیار میبینیم نه در یک جا و چند جا بلکه در همه جا قدر ناشناسی حکومت میکند.

ارج کارگران ایران آنچنانکه باید پس از پیروزی انقلاب پاس داشته نشده است انقلاب اسلامی ملت ایران نمی‌تواند و نمی‌باید که بنیادها بقیه در صفحه هشتم

ارگان حزب ملت ایران

### از خبرهای هفته

## عاملهای فاجعه سینما رکس آبادان رامعرفی کنید

گروهی از بازماندگان شهدای فاجعه سینما رکس آبادان که در اداره دارائی این شهر تحصن گزیده‌اند در نامه‌ای که به عنوان شیخ علی تهرانی فرستاده‌اند خواستار سرعت در معرفی عاملهای واقعی این فاجعه شدند.

در این نامه آمده است: «بیش از پنجاه روز ارتحص گروهی از بازماندگان فاجعه سینما رکس در اداره دارائی آبادان میگردد، معینا ارتوصل این متخصصین به کلیه مقامات عالی مملکت هنوز نتیجه‌ای عاید نشده است و فقط از سوی دادستان انقلاب اسلامی آبادان چهار نفر بعنوان عاملان آتش سوزی معرفی شده‌اند که در نظر بوده یکنفر از آنها که مدت یکسال است در زندان بسر میبرد اعدام شود. اما بازماندگان فاجعه مانع این اقدام شده و اعلام کرده‌اند چهار نفر مذکور نمیتوانستند به تنهایی دست به این عمل بزنند بلکه جزئی از جریاناتی بشمار میروند که باید ماهیت آنها و کلیه عوامل واقعی آتش سوزی سینما رکس آبادان روشن شود.»

## متجاوزان به اموال عمومی شدیداً مجازات میشوند

بدستور دادستان کل کشور بامتجاوزان به اموال عمومی به شدیدترین نحو رفتار خواهد شد خبرگزاری پارس در هفته گذشته به نقل از روابط عمومی وزارت دادگستری گزارش داد: «نظر به اینکه اخیراً گزارش رسیده که گروهی از فرصت طلبان و متجاوزین به اموال عمومی بطور غیر مجاز مبادرت به قطع درختهای جنگلی مینمایند و پایه زمینهای جنگلی و معادن آن تجاوز میکنند، لذا به موجب دستور دادستانی کل کشور به کلیه دادگاههای انقلاب و دادگستری‌ها و... اکیداً دستور داده میشود که طبق وظیفه شرعی و قانونی خود نسبت به حفظ و حراست جنگلها و منابع طبیعی نهایت همکاری را مبذول نموده و بهیچ عنوان در مجازات متخلفین کوتاهی ننمایند. بدیهی است قصور در حفظ اموال عمومی موجب تعقیب قانونی مسئولین امر خواهد بود.»

## ابراز تأسف وزارت خارجه و اطلاعیه دادستانی کل انقلاب

در رابطه با رفتار ناشایستی که هنگام خروج «ادیب داودی» نماینده دبیرکل سازمان ملل، از ایران در فرودگاه مهرآباد انجام شد، وزارت امور خارجه طی اطلاعیه‌ای از این پیش‌آمد ابراز تأسف کرد و گفت: «موضوع بطور کلی در شورای انقلاب مطرح و مسئولین شدیداً مواخذه خواهند شد.»

از طرف دیگر سه روز بعد یعنی روز شنبه سی و یکم خرداد ماه دادستانی کل انقلاب در رابطه با اعتراض وزارت امور خارجه اطلاعیه‌ای منتشر میکند. در قسمتی از این اطلاعیه آمده است: «بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مأمورین ما در فرودگاه با تلاشی پی گیر از بیرون رفتن ثروت مملکت از ایران جلوگیری کردند و اجازه به هیچ مقامی ندادند که کارخلافی انجام دهد. همراهان آقای ادیب داودی یک عدد قالیچه را که قصد خروج آنها از ایران داشتند به مأمورین ارائه میدهند. سپس مأمورین به یک اتومبیل دولتی همراه وی مشغول میشوند که پس از بازسی پنج عدد قالیچه از این اتومبیل بدست میآید که متعلق به ایشان بود، لذا مأمورین از خارج کردن قالیچه‌ها جلوگیری بعمل میآورند.»

اگر حادثه چنین باشد که در اطلاعیه دادستانی کل انقلاب آمده است باید گفت صدآفرین بر هوش و ذکاوت مأموران دادستانی که با یک نگاه به یک اتومبیل دولتی (که قاعدتاً باید متعلق به وزارت امور خارجه باشد) مشغول میشوند و در این رابطه به کشفیاتی نائل میگرددند. چون طبق اطلاعیه دادستانی این قالیچه‌ها در اتومبیل دولتی پیدا شده و آقای داودی قصد خروج آنها بطریق غیرقانونی داشته است، ما از مقامات دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران میخواهیم که موضوع را به این سادگی فقط با دادن اطلاعیه برگزار نکنند.

شایسته‌تر است جای شایسته‌ای در کار حکومت بیابند هر که چاپلوس‌تر است آنکه امروز چاپلوسی می‌کند دیروز برای آن لعنتی چاپلوسی می‌کرد، ملت ایران میخواهد سرنوشتش بدست کسانی باشد که آن نهضت و این انقلاب را روز به روز در وجود خود حس کرده‌اند و جز به ملت ایران و به انقلاب اسلامی ملت ایران به هیچ چیز دیگری نمی‌اندیشند.

من امیدوارم رهنمودهای امام خمینی که اینبار با نگرانی خاصی همراه بود در گوش این خود بینان و به خود اندیشان فرو برود، رهبر انقلاب گفت کشور خودتان است خودتان اصلاح کنید و این خطاب به همه مردم بوده یک بخش یا فرقه خاصی و به حال تکرار میکنم ملت ایران دست آورده‌ای انقلاب خود را، استقلال و آزادیهای فردی و اجتماعی خود را نخواهد گذاشت از میان برود، هرچند ناگزیر شود هر روز انقلابی دیگر برپا کند.

## گفتار هم‌مرز ماریوش

و روابط اجتماعی و اقتصادی گذشته را نگه دارد ولی با کمال تأسف هنوز ما در ایران انقلابی گرفتار نظام سرمایه «هستیم» و «نظام کار» بر کرسی پیروزی ننشسته است.

ملت ایران نمی‌تواند بپذیرد که بر انقلاب مرزبندی کنند ما نه تنها از انقلاب خواست ضداستعماری داشتیم نه تنها خواست ضداستبدادی داشتیم که بی‌شک خواست ضداستعماری هم داشتیم و باید که در دوران سازندگی انقلاب بهره‌کشی فرد از فرد به هر شکل به سود کارگران و کشاورزان ایرانی پایان یابد.

کسانی که زیر نقابهای گوناگون می‌کوشند بر بنیادهای نظام گذشته چنگ بزنند و انقلاب را از خط حرکت اصلی خود، بازدارند سخت در اشتباه هستند، ما برای استقرار «نظام کار» نیاز به گسترش نهضت کارگری داریم و گسترش نهضت کارگری در همه جای جهان بستگی به پیدایی سازمانهای بنیادمند کارگری، اتحادیه‌ها و سندیکاهای دارد.

باید از شعارهای گوناگون دیگری که داده میشود و کارگران را به عنوان دخالت در مدیریت و زیر نام شورا از پیش گرفتن حرکتیهای درست اجتماعی بازمی‌دارند پایان داد.

باید، ره چنان رفت که رهروان رفتند، همه باید فرصت این داشته باشند که از همه جلوه‌های آزادی فردی و اجتماعی برخوردار شوند و کارگران ایران نیز برای برخورداری از آزادیهای فردی و اجتماعی و حفظ حقوق و منافع خود راهی جز ساختن اتحادیه‌ها و سندیکاهای در برابر رانحصارگریها و سازشکاریها را ندارند.

امروز میهن ما در شرایط بس خطرناکی بسر میبرد، امپریالیستها که دستشان از یغما کوتاه شده است در هر گوشه‌ای توطئه می‌کنند، دست نشاندهگان آنها همه آنهایی که به شکلی از این انقلاب زیان دیدند سرایا توطئه شده‌اند و بی‌شک ما برای درهم شکستن توطئه‌ها به وحدت نیاز داریم، همچنانکه بارها رهبر انقلاب گفته است به وحدت کلمه و وحدت عمل نیاز وجود دارد ولی چگونه وحدتی آیا وحدت در این است که گسسته‌ها را بچسباند.

انحصار طلب جلو بفتند و هر چیز را برای خودشان بخواهند و همه گروههای اجتماعی دیگر انتظار داشته باشند که بدنبال آن حرکت کنند چنین وحدتی، وحدت دلخواه مرکزهای قدرت انحصارگر و سازشکاران است که برای شرکت در قدرت تن به هر کثافت کاری میدهند و مورد قبول ملت ایران نیست.

این وحدتی نیست که امام خمینی میگوید و میخواهد، این وحدت که امام میخواهد وحدتی است همانند وحدت دوران حرکتیهای انقلابی پیش از پیروزی ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، وحدتی که همه گروههای اجتماعی ملت با هراندیشه از هر حزب و با هروابستگی در پرتو آموزشهای والای اسلامی بی‌آنکه کسی خود را قیم حرکتها جلوه دهد دست در دست هم می‌گذاشتند می‌جنگیدند و پیش می‌رفتند.

آیا آنروز یکی از قیمهای امروزی اگر شهیدی در کنار آنها می‌افتاد می‌گفتند یا می‌پرسیدند که این مکتبی هست یا مکتبی نیست که امروز این نغمه‌های ناساز را سر داده‌اند تا ملت را پارچه پارچه و پراکنده از هم کنند.

اگر این تازه از راه رسیدگان که در روزهای گذشته مبارزاتی نقشی نداشته‌اند نگران نیستند ولی آنها که روزهای مرداد ۱۳۳۲ را بیاد دارند، حق دارند، بترسند و بر آینده بیم‌ناک باشند اما اینها که معلوم نیست روزهای مبارزاتی ملت ایران کجا بودند حق دارند که نترسند و انحصارگری کنند.

من به عنوان یک سرباز نهضت ملی ایران که هنوز خود را یک سرباز کوچک در انقلاب اسلامی ملت ایران می‌دانم و هرگز توقعی بیش از سرباز بودن نداشتم و اگر کاری به عهده گرفته‌ام جز به عنوان خدمت نبوده است احساس بیم میکنم از شکل عملی که همه جا به چشم می‌خورد از یک سو می‌گویند توطئه‌های در کار است نوار این توطئه را منتشر میکنند از سوی دیگر امروز روزنامه‌ای که ارگان حزبی است که میگویند مرکز این توطئه بوده است، می‌کوشد همه گناه را بر سر یک تن بیندازد، در سرمقاله «بس کنید آقایان بس کنید» نوشته میشود آنچه صورت گرفته فقط کار یک شخص است مگر این شخص مغز متفکر شما نبود، مگر این شخص نامزد نمایندگی شما برای مجلس بررسی نهائی قانون اساسی نبود و امروز بنام نماینده شما در مجلس ننشسته است، مگر این شخص همه جا به نام حزب شما سخن نگفت پس چه شده است که امروز فقط گناه با او است و وقتی در کنار آن با کمال تأسف می‌بینم که رئیس جمهور هم می‌گوید ما باهم میثاق وحدت بستیم احساس نگرانی میکنم مگر تا دیروز گناه ناپسامانیه را، گناه در جازدن شانزده ماه، پس از پیروزی-

انقلاب را به گردن یکدیگر نمی‌انداختید امروز چه شده است که وحدت و میثاق وحدت بستیم.

این وحدت اگر کوچکترین بوئی از سازش برای منافع شخصی داشته باشد، نه هرگز مورد قبول ملت ایران است نه مورد تأیید رهبر انقلاب، تنها وحدتی درست است که پیروی از جدول ارزشهای انقلاب اسلامی ملت ایران را داشته باشد، وحدتی که در بطن آن تفکر به مبارزه ضد استعماری ضد استبدادی و ضد استعماری ملت ایران باشد، پذیرفتنی است نه وحدت در بخش کردن کارهای سازمانی کشور. امیدوارم که چنین نباشد و این وحدت آنچنانکه بارها رئیس جمهور گفته است در خط تداوم انقلاب برای برهم زدن مرکزهای قدرت خود گامه که امروز سراسر کشور را به ناکامی کشیده‌اند باشد و برای این باشد که دوران سازندگی انقلاب هرچه زودتر آغاز شود و هر که

## از میان نوشتارهای رسیده

نوشتار زیر توسط یکی از پزشکان کارشناس بدستل رسیده است که در بر دارنده مطالب پزشکی درباره وضع بهداشت و درمان و دشواریهای ناشی از آن در کشور میباشد. زمال ملت به چاپ این اقدام میکند و طبق خواسته نویسنده از ذکر نام پنهان بسر خودداری می‌نماید.

## آقای وزیر بهداشتی شما روی دکتر شیخ الاسلامزاده وزیر هویدا را سفید کردید

باعرض معذرت از همه نهادهای انقلابی چون دیگر طاقتم به طاق رسید و کاسه صبرم لبریز شد عنان اختیار از دست دادم و ناگزیر شدم در حرقة خودم از یکی از وزراء دولت انقلابی انتقاد کنم.

راستش هر قدر صبر کردیم که بلکه این دوران قترت تمام شود و زودتر کارهای مملکت سروسامان بگیرد نشد که نشد. آقای رئیس جمهور هم هر قدر تلاش کردند کاری از پیش نبردند و فقط سخنان حکیمانه بسیاری می‌گویند. «لحظة موعود» عمل کی فرا خواهد رسید خدا میداند؟ درد دل آنقدر زیاد است که اگر بخواهیم گوشه‌ای از آنرا بگوئیم مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد بنابراین برگردیم به اصل مقاله و آقای وزیر بهداشتی.

اولین وزیر بهداشتی انقلاب بسیار تند و آتشین سخنرانی می‌کرد و ایده‌های زیادی همراه با بلند پروازیهای خاص روانپزشکان داشت لکن همه کردارهای ایشان در شعارها خلاصه شد و پس از مدتی که درک کردند واقعیت با آنچه مورد درخواست ایشان است فرسنگها فاصله دارد میدان را خالی کرده و صندلی وزارت را به جراحی از «حزب اکثریت» واگذار نمودند، ما و مردم محروم مملکت به این امید باقی ماندیم که اگر از طریق روان درمانی مشکلات پزشکی مملکت حل نشد حداقل باید با چاقوی جراحی اصلاح شود و نداشتن هیچگونه تجربه در مدیریت را به پشتوانه حزبی ایشان بخشیدیم خاصه اینکه روز اول معارفه ایشان گفتند «من غسل شهادت کردم به وزارتخانه آمدم و فقط یکی دوماه خدمت شما هستم تا دولت دائمی بر سر کار آید» بنابراین هر چه از آن پس از ایشان دیدیم با تذکر اینکه آقای وزیر موقتی و گذران هستند! روی درهم نکشیدیم ولی متأسفانه هر قدر صبر ما طول کشید دولت قانونی مستقر نشد و چون ما مانند «ایوب» صبر طولانی نداریم ناچار دست به قلم برده و گذشته‌های ایشان را مرور می‌کنیم و با آنچه وزیر بهداشتی هویدا/آقای دکتر شیخ الاسلامزاده کرد و به همان علت زندان مادام العمر را برای خود خرید مقایسه می‌کنیم تا ببینیم چه کم و کسری باقی مانده که انجام نشده است.

اعمال انقلابی آقای وزیر بهداشتی در ابتدا منحصر شد به همان عمل زشت پیشینیان ایشان و آن تعویض مدیران وزارتخانه، مدیران بهداشتی استانها و حتی مدیران بیمارستانها یا سلسله‌ای از دوستان و هم مسلکان حزبی اکثریت (عمل رستاخیزی!).

دومین عمل انقلابی ایشان افتتاح بیمارستانهای مختلف شهر بود که سالهای سال کار می‌کردند فقط با تغییر نام جدید و احیاناً افزودن یک بخش و از آن جمله است بیمارستان هدایت (ایس بیمارستان در سال ۱۳۳۰ افتتاح شد) بیمارستان دربار (با تغییر نام به بیمارستان انقلاب) و بیمارستان امریکایی (با تغییر نام به بیمارستان اختر) ایس نحوه افتتاح یا تغییر نام بیمارستانها و بخشها قبلاً به نوحاحس و اکمل توسط وزرای شاه سابق انجام می‌شد و بیش از همه این اختراع به نام آقای منوچهر نیک‌پور مدیرعامل سازمان بیمه‌های اجتماعی ثبت شده است.

سومین عمل انقلابی پاکسازی و تصفیه و بازنشسته کردن مغرضانه و بدون دلیل گروهی پزشکی و کارمند و پرستار است که سالها جوانی و عمر خود را در راه درمان بیماران این کشور تلف کردند.

چهارمین عمل انقلابی ایشان و معاونینشان مصاحبه‌های جالب! آموزنده! و فریب کارانه! است. در حالی که معاون داروئی وزارتخانه با صراحت و قاطعیت می‌گوید که ما در سطح کشور کم بود دارو داریم کافی است شما به نزدیکترین داروخانه محل مراجعه

کنید و فریاد داروساز را از کمبود دارو بشنوید و یا نسخه بیمه‌ای خود را که با چند داروی بسیار معمولی پر شده باشد به داروخانه‌های متعددی نشان بدهید تا صدق مدعای آقای وزیر و معاونینش را درک نمائید و یا گاهی به تیر تیر برگ رورنامهها بیاندازید که از قول آقای وزیر

بقیه در صفحه دوم

## ملت گرایی، اصلی‌ترین نیروی سرکوب‌کننده‌ی امپریالیسم در جهان است